

بررسی جنبه‌هایی از نظام انتخابات مجلس در پرتو انتخابات مجلس نهم^۱

دکتر مرتضی انصاری دزفولی *

چکیده

مقاله حاضر با تکیه بر قوانین مربوط اعم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز با استناد به آمارهای رسمی ولو پراکنده نهادهای قانونی و مسئولین انتخاباتی به بررسی چند جنبه نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته است. نارسائی‌ها و ایرادات این قانون با مراجعه مستمر به آمار رسمی و نتایج انتخابات مجلس بالاخص انتخابات مجلس نهم در اسفند ماه ۱۳۹۰، در ابعاد مختلف آن، بدون مسامحه برجسته شده و در معرض دید خواننده قرار داده شده‌اند. پس از بررسی مهمترین ایرادات نظام انتخابات مجلس، بخش اول مقاله عمدتاً به بررسی و مقایسه حوزه‌های انتخاباتی در سطح استانها، بررسی وزن حوزه‌های انتخاباتی و نیز کاهش آراء نمایندگان اختصاص داده شده است، در بخش دوم راه حل‌هایی که میتوان از لحاظ نظری برای مرتفع شدن ایرادات نظام انتخاباتی در نظر گرفت و از لحاظ عملی نیز قابلیت اجرایی شدن دارند صریحاً بیان و مطالعه شده‌اند. برخی از این ایرادات با تغییرات جزئی در قانون انتخابات قابل برطرف شدن می‌باشند اما برخی دیگر نیازمند تغییرات جدی‌تر و نگرش‌های نوین نسبت به نظام انتخابات مجلس بطور کلی است. اساسی‌ترین چاره‌ای که پیشنهاد شده تغییر نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای موجود به نظام انتخاباتی یک مرحله‌ای است. موفقیت یک چنین تغییری نیازمند اجرای اصلاحات دیگری است که عمدتاً شامل تقسیم بندی حوزه‌های انتخاباتی کشور، صدور کارت انتخاباتی برای رای دهندگان و «تقسیم» عادلانه رای دهندگان در هر یک از حوزه‌های انتخاباتی میشوند. بررسی پیش رو صرفاً علمی-نظری نبوده و جنبه کاربردی و عملی آن مد نظر نویسنده قرار گرفته است. این نکته نقش مهمی در بدیع بودن نوع بررسی دارد که از جمله از ورای ۱۳ جدول که همگی بوسیله نویسنده با مراجعه به آمار رسمی مقامات و مراکز مختلف ذیصلاح تهیه و تدوین شده‌اند قابل رویت است.

واژگان کلیدی: قانون انتخابات، مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس نهم، نظام انتخاباتی، حوزه‌های انتخاباتی.

^۱ تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۸

* دکترای حقوق عمومی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه رمس فرانسه، قاضی دادگستری و مدرس حقوق در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه رمس و مدرسه عالی مدیریت شهر رمس در فرانسه و مستشار قوه قضائیه (ستره محکمه) جمهوری اسلامی افغانستان.

مقدمه

مقبولیت^۲ حکمرانان در هر کشوری یکی از مسائل مورد توجه در تنظیم ارتباطات میان طبقه حکومت کنندگان و طبقه حکومت شوندگان بوده و می باشد بطوری که در دوره معاصر، طبقه حاکم همواره تلاش می کند تا با تکیه بر این مقوله و با استناد به آرای مردم، تفوق خویش را در اداره امور کشور موجه بنمایاند و بدین وسیله مستظهر به تائید و همراهی حکومت شوندگان باشد. هرچه پایه این توجیهاست مستحکم تر و هرچه موفقیت حکومت کنندگان در اقناع حکومت شوندگان بیشتر باشد، اجرای قوانین و تلاش عمومی برای به ثمر رساندن برنامه و سیاستهای متخذه از طرف حکمرانان نیز آسان تر بوده و پیروی مردم از آنها نیز سهل تر و موثرتر و در نتیجه پیشرفت کشور نیز هموار تر خواهد بود.

امروزه به توجیه قدرت حکمرانان از طریق تکیه بر رای مردم و اصل گزینشی بودن مقامات تاکید ویژه ای می شود. حکمرانانی که برگزیده حکومت شوندگان باشند از درجه بالائی از مقبولیت مردمی نیز برخوردارند. بنابراین حاکم مقبول حاکمی است که بوسیله مردم برگزیده شود. از چنین دیدگاهی مقبولیت حکمرانان از طریق رای و انتخاب آنان بوسیله رای دهندگان توجیه گشته و مقبولیت عامه آنان را بدنبال دارد.

این نظریه در همان اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی (قاجا) مورد توجه قرار گرفته است. در این اصل نوع نظام کشور، «جمهوری اسلامی ایران»، به استناد «رای مثبت» مردم در طی همه پرسسی «یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی» تعیین شده است. اصول بعدی قاجا نیز بر این امر تاکید کرده اند. اصل ۵۶ قانون اساسی صراحتاً بر حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش تاکید دارد: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمیتواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می آید اعمال می کند». قاجا برای اعمال حق حاکمیت ملت به انتخابات و همه پرسسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم اشاره دارد (اصل ۵۹). بنابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت نمایندگان مجلس از آراء عمومی ناشی می شود. مجلس قانونگذاری، معرف و مبین اراده ملت است.

اصل ۵۸ قاجا مقرر می دارد «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود...» پارلمان در جمهوری اسلامی دارای یک مجلس قانونگذاری است. فصل ششم قاجا در مبحث اول مربوط به مجلس شورای اسلامی است و در اصل شصت و دوم مقرر می دارد: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد». بر اساس این اصل شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را «قانون معین می کند». این اصل تنها به رای مستقیم و مخفی انتخابات مجلس می پردازد و تعیین نظام انتخاباتی را به قانون گذار عادی محول می نماید.

هدف این نوشتار بررسی نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی است. برای این بررسی زمانی را انتخاب کرده ایم که تقارنی با فصل انتخابات مجلس و یا هر انتخابات دیگری ندارد و تحت تاثیر نتایج انتخاباتی و شور و هیجانی که از

۲. از کلمه «مقبولیت» به عنوان معادل کلمه «لژیتمیت» یا مشروعیت استفاده کرده ایم. برای این مقوله کلمه «حقانی» نیز پیشنهاد شده است. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱.

آن ناشی می شود قرار نداریم. به علاوه، با توجه به نتایجی که از این بررسی بدست می آید، قوه قانونگذاری می تواند در مدتی که تا انتخابات آینده وجود دارد به اقدامات لازم برای اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مبادرت ورزد و نارسائی های نظام انتخاباتی را تا حدودی برطرف نماید. مطالعه خود را با تکیه و استناد بر نتایج آخرین انتخابات مجلس (دوره نهم) انجام داده ایم و تلاش شده است از نگاهی کاملاً غیرجانبدارانه برخوردار باشیم. ابتدا مهم ترین ایراداتی که بر نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی وارد است و خود را در جریان انتخابات مجلس نهم به روشنی عیان نموده اند بررسی می شوند و سپس تلاش می شود تا راهکارهایی برای اصلاح نظام انتخاباتی مجلس ارائه گردند.

۱ - نقاط ضعف نظام انتخاباتی مجلس

۱-۱ - عدم تطبیق تعداد نمایندگان

تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی را قانون اساسی بروشنی معین کرده است. اصل ۶۴ قاجا مقرر می دارد: «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیائی و نظایر آنها حداکثر بیست نماینده میتواند اضافه شود».^۳ بنابراین تردیدی نیست که تعداد نمایندگان تابعی از تعداد جمعیت کشور و تحولات جمعیتی حوزه های انتخاباتی است به گونه ای که تناسبی بین نمایندگان و جمعیت کشور وجود داشته باشد. به عبارت دیگر هر کرسی نمایندگی معرف تعداد معینی از جمعیت کشور است. اصل ۶۴ قاجا قبل و پس از اصلاحات سال ۱۳۶۸ از نقطه نظر تناسب بین کرسی نمایندگی و تعداد جمعیت کشور، دچار تغییر جدی نشده است. اما، شرط مربوط به تعداد جمعیت (هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر = یک کرسی) که مکانیسم افزایش تعداد نمایندگان را راه اندازی می کرد برداشته شده است. در اصل اصلاحی اشاره ای به تعداد جمعیت نشده است و مجموعه عواملی را که عامل انسانی نیز جزء آن است در نظر گرفته است.

برابر ماده ۲ قانون انتخابات مجلس مصوب آذر ماه ۱۳۷۸، «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و نود نفر میباشد و افزایش تعداد آن بر اساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی خواهد بود». بدین ترتیب ماده ۲ این قانون تعداد نمایندگان مجلس را از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر افزایش داد. همانکون با وجود گذشت چهارده سال از قانون انتخابات مجلس مصوب سال ۱۳۷۸، و علیرغم تحولات کشور در زمینه «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیائی و نظایر آنها»، تغییری در تعداد نمایندگان مجلس انجام نشده است. این در حالی است که مطابق اصل ۶۴ قاجا، بررسی افزایش احتمالی نمایندگان مجلس بایستی هر ده سال انجام بشود. بعلاوه اصل ۶۴ قاجا مقرر میدارد: «محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان [حوزه ها] را قانون معین میکند». با توجه به تغییراتی که در حوزه های انتخابیه صورت گرفته، ضرورت بررسی قانون انتخابات پس از هر ده سال امری اجتناب ناپذیر است.

۱-۲ - کیفیت انتخابات

ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۱۳۷۸ مقرر میدارد: «انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل

۳. اصل ۶۴ قاجا قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۸ مقرر می داشت: «عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می شود».

یک چهارم کل آرا و در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان‌دوره ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است». قانون انتخابات مجلس از پس از انقلاب تا به امروز دچار تغییراتی شده است. مهمترین تغییر در زمینه کیفیت انتخابات مربوط به شرط انتخاب شدن در مرحله اول انتخابات است. در همین حال، دو مرحله ای بودن انتخابات مجلس همواره دست نخورده باقی مانده است. انتخابات مجلس اول بر اساس لایحه قانونی مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب برگزار شد. بر اساس این قانون انتخابات مجلس دو مرحله ای بود. برای راهیابی به مجلس در مرحله اول کسب اکثریت مطلق آراء لازم بود و در مرحله دوم اکثریت نسبی کافی بود. مرحله اول انتخابات در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۸ برگزار شد و طی آن ۹۷ داوطلب با کسب اکثریت مطلق در همان مرحله اول وارد مجلس شدند.

سپس مجلس اول کوتاه زمانی قبل از پایان دوره اش، در اسفند ۱۳۶۲، قانون انتخابات مجلس را به تصویب رساند. در این قانون، انتخابات دو مرحله ای در نظر گرفته شده بود و برای راهیابی به مجلس در مرحله اول کسب اکثریت مطلق آراء لازم بود. انتخابات مجلس دوم در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۶۳ و بر اساس این قانون برگزار شد. در این انتخابات قریب نیمی از نمایندگان منتخب در مرحله اول و نیمی دیگر در طی مرحله دوم موفق به کسب حد نصاب لازم شدند و به مجلس راه یافتند. با توجه به نتایج انتخابات و به منظور بالا بردن درصد نمایندگانی که در همان مرحله اول وارد مجلس می شوند، قانون انتخابات مصوب اسفند ۱۳۶۲ بوسیله مجلس دوم، در تیرماه ۱۳۶۳ اصلاح شد. در اصلاحیه تیرماه ۱۳۶۳ دو مرحله ای بودن انتخابات دست نخورده باقی ماند اما حد نصاب لازم برای انتخاب شدن در مرحله اول کاهش یافت. بر اساس این اصلاحیه، برای انتخاب شدن در مرحله اول، دیگر نیازی به کسب اکثریت مطلق آراء نبود بلکه کسب یک سوم کل آراء کافی بود.

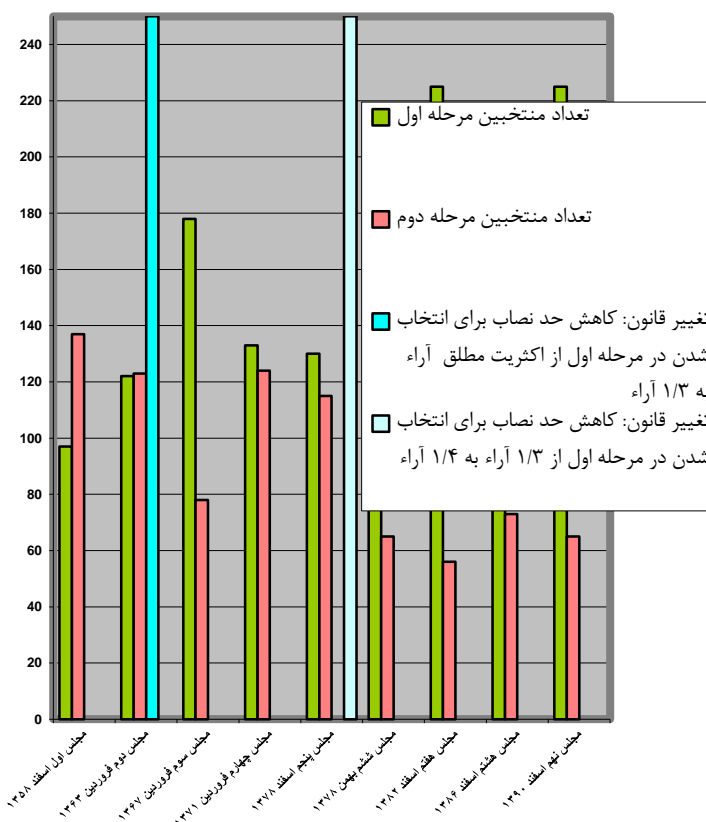
انتخابات مجلس سوم بر اساس قانون انتخابات ۱۳۶۲ و اصلاحیه ۱۳۶۳ برگزار شد. در این انتخابات، در مرحله اول قریب ۱۸۰ نماینده به مجلس راه یافتند (با کسب اکثریت حداقل یک سوم آراء) و سرنوشت قریب ۸۰ کرسی نمایندگی در مرحله دوم تعیین شد. انتخابات مجالس چهارم و پنجم نیز بر اساس قانون انتخاباتی فوق برگزار شدند. اما هم در انتخابات مجلس چهارم و هم در انتخابات مجلس پنجم تعداد نمایندگانی که در همان مرحله اول وارد مجلس شدند کمی بیشتر از نصف تمامی منتخبان هر دوره بودند. در انتخابات مجلس چهارم از مجموع ۲۵۷ نماینده انتخاب شده تنها ۱۳۳ نفر در مرحله اول به مجلس راه یافتند و سرنوشت بیش از ۱۲۰ کرسی نمایندگی در مرحله دوم مشخص شد. در انتخابات مجلس پنجم نیز از مجموع ۲۴۵ نماینده منتخب در طی انتخابات، فقط ۱۳۰ نماینده در مرحله اول به مجلس راه یافتند و سرنوشت باقی کرسی ها در مرحله دوم مشخص شد. در چنین وضعیتی بود که قانونگذار مجدداً به اصلاح قانون انتخابات پرداخت و بار دیگر حد نصاب لازم برای راهیابی به مجلس در مرحله اول دچار کاهش شد، اما دو مرحله ای بودن انتخابات دست نخورده باقی ماند.

در واقع مجلس پنجم قبل از پایان دوره اش، قانون انتخابات را اصلاح نمود. بر اساس قانون انتخابات مصوب آذرماه ۱۳۷۸ (قانون فعلی) برای انتخاب شدن در مرحله اول انتخابات، کسب اکثریت یک چهارم آراء لازم است. بدین ترتیب حد نصاب انتخاب شدن در مرحله اول از اکثریت مطلق آراء به اکثریت یک سوم آراء و سپس به اکثریت یک چهارم آراء تقلیل یافته است. در همان حال، قانونگذار بر دو مرحله ای بودن انتخابات همچنان پافشاری می کند. این در حالی است که انتخابات دو مرحله ای برای بالا بردن و جاهد نمایندگان است، بگونه ای که نمایندگان هر حوزه انتخابیه با تکیه بر اکثریت آراء وارد مجلس بشوند و نه با کسب حداقل یک چهارم آراء.

با مراجعه به تابلوی شماره یک، به نظر می آید که دو تغییر قانون انتخابات و کاهش حد نصاب برای انتخاب شدن در مرحله اول تابعی از نتایج انتخاباتی بوده است. به این معنی که پس از آنکه تعداد منتخبین مرحله اول و مرحله دوم انتخابات در مجلس دوم تقریباً برابر شدند، قانون انتخابات تغییر کرد و حد نصاب برای انتخاب شدن در مرحله اول انتخابات از اکثریت مطلق آراء به اکثریت یک سوم کاهش یافت. سپس با توجه به برابری تعداد منتخبین مرحله اول و مرحله دوم در انتخابات مجلس چهارم و پنجم، دوباره حد نصاب انتخاب شدن در مرحله اول دچار کاهش شد و قانون مصوب آذر ۱۳۷۸ حد نصاب انتخاب شدن در مرحله اول را از یک سوم آراء به یک چهارم آراء کاهش داد. عملکرد قانونگذار در این مورد از منطق قوی ای برخوردار نیست. آنچه که از تغییرات پی در پی قانون انتخابات بر می آید اینست که قانونگذار مایل است سرنوشت انتخابات مجلس در همان مرحله اول مشخص شود اما به جای اینکه انتخابات را یک مرحله ای کند، دائماً حد نصاب انتخاب شدن در مرحله اول را کاهش میدهد. در واقع قانونگذار برای رسیدن به هدفش روی اهرم درستی فشار نمیدهد! به عبارت دیگر، اگر منظور از این تغییرات تعیین تکلیف اکثریت مجلس در همان مرحله اول است، نباید بر دو مرحله ای بودن انتخابات پافشاری نمود. ما این امر را در تابلوی شماره یک به نمایش گذاشته ایم.

تابلوی شماره ۱

تعداد منتخبین مرحله اول و مرحله دوم نه دوره انتخابات مجلس و اثر کاهش حد نصاب



۱ - ۳ - قلت نمایندگان پر رای مجلس نهم

ماده ۹ قانون انتخابات مجلس مصوب آذرماه ۱۳۷۸ مقرر می دارد: «چنانچه در مرحله اول برای یک یا چند نفر از داوطلبان اکثریت یک چهارم آرا حاصل نگردد، انتخابات دو مرحله ای خواهد شد. بدین معنی که از بین نامزدهایی که اکثریت یک چهارم آرا را در مرحله اول به دست نیاورده اند، فقط به تعداد دو برابر نمایندگان مورد نیاز از بین کسانی که بیشترین آرا را در مرحله اول داشته اند، در انتخابات مرحله دوم شرکت می کنند و در صورتی که تعداد نامزدهای باقی مانده، کمتر از دو برابر باشد، تمام آنان در مرحله دوم انتخابات شرکت خواهند نمود.»^۴

دو مرحله ای شدن انتخابات مجالس در بسیاری از کشورها بخاطر بالا بردن و جاهت نمایندگان است به گونه ای که

^۴ تبصره ۱ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس مصوب آذر ۱۳۷۸ مقرر می دارد: «اگر تعداد نامزدهای باقی مانده مساوی یا کمتر از نمایندگان مورد نیاز باشد، انتخابات مرحله دوم انجام نخواهد شد و نامزدی که حداقل یک چهارم مجموع آرا را کسب کرده باشد به مجلس راه می یابد». این تبصره مبهم به نظر می رسد. زیرا که فرضاً اگر یک حوزه انتخابیه ۳ کرسی نمایندگی داشته باشد و پس از انتخابات مرحله اول هیچیک از نامزدها موفق به کسب حداقل یک چهارم آراء نشود، در اینصورت برابر ماده ۹ قانون انتخابات بایستی مرحله دوم برگزار شود. تبصره ۱ همین ماده مربوط به زمانی است که در حوزه فرضی ما فقط ۳ نامزد انتخابات (یا کمتر) برای مرحله دوم باقی مانده باشد، در این صورت برابر این تبصره «انتخابات مرحله دوم انجام نخواهد شد و...» تا اینجای تبصره قابل فهم است و مشکلی وجود ندارد. ابهام در ادامه این تبصره است که اضافه میکند «... و نامزدی که حداقل یک چهارم مجموع آراء را کسب کرده باشد به مجلس راه می یابد». به نظر می رسد جمله اخیر در تبصره ۱ ماده ۹ زاید است زیرا «نامزدی که حداقل یک چهارم آراء را کسب کرده باشد» به استناد ماده ۸ قانون انتخابات در همان مرحله اول به مجلس راه می یابد و نیازی به این تبصره ندارد. در نتیجه با حذف جمله دوم این تبصره میتوان آنرا به صورت زیر اصلاح نمود: «اگر تعداد نامزدهای باقی مانده مساوی یا کمتر از نمایندگان مورد نیاز باشد، انتخابات مرحله دوم انجام نخواهد شد.»

نماینده ای که به مجلس راه می یابد آراء اکثریت رای دهندگان را پشت سر خود داشته باشد. در نتیجه کاهش حد نصاب انتخاب شدن در مرحله اول از اکثریت مطلق آراء به یک چهارم آراء به وجاهت نمایندگان ضربه شدیدی می زند زیرا به استثناء بعضی موارد امکان برخورداری نمایندگان از اکثریت مطلق آراء به ندرت اتفاق می افتد.

موارد استثنائی عمدتاً شامل حوزه های انتخابیه ای می شوند که شرایط زیر را داشته باشند: ۱ - حوزه هائی که در آن یکی از نامزدها نسبت به سایر نامزدها در میان مردم شناخته شده تر باشد و در مقایسه با سایر داوطلبان از محبوبیت بسیار بیشتری برخوردار باشد؛ ۲ - حوزه هائی که در آنها تعداد نامزدهای انتخاباتی بسیار محدود باشند به این معنی که اگر برای آن حوزه ها یک کرسی وجود داشته باشد تعداد نامزدها دو یا سه یا چهار نفر باشند و یا اگر بیشتر باشند، عمدتاً ترکیبی از نامزدهای بسیار ناشناس و دو یا سه نامزد بسیار شناخته شده باشند؛ ۳ - تمامی حوزه هائی که در مرحله دوم فقط به یک نماینده احتیاج داشته باشند.

برای مثال در انتخابات مجلس نهم، از میان ۸ نماینده ای که دارای بالاترین درصد آراء می باشند، چهار تن از آنان منتخب حوزه هائی بوده اند که رقابت انتخاباتی در آنجا میان حداکثر ۴ نامزد رخ داده است: نماینده فلاورجان از استان اصفهان که در صدر قرار دارد ۳ رقیب انتخاباتی؛ نماینده بوکان از استان آذربایجان غربی که در مقام دوم است فقط دو رقیب انتخاباتی؛ نماینده شوش از استان خوزستان که در مقام چهارم است فقط یک رقیب انتخاباتی و بالاخره نماینده اردکان از استان یزد فقط دو رقیب انتخاباتی داشته اند (جدول شماره ۲).

در انتخابات مجلس نهم، در حوزه انتخابیه اندیمشک از استان خوزستان ۷ نامزد انتخاباتی برای کسب یک کرسی به رقابت پرداخته اند که تعداد قابل توجهی بنظر می رسد، اما با کمی دقت به نتایج انتخابات ملاحظه می کنیم که جمع کل آرای ۴ نامزد آخر لیست، کمتر از ۴۰۰ رای بوده است در حالی که نماینده این حوزه بیش از ۶۳ هزار رای کسب کرده است. در سایر حوزه هائی که مورد بررسی قرار گرفته اند، نامزدهایی که درصد بالائی از آرای حوزه انتخابیه را بخود اختصاص داده اند یا از شهرت ملی (مانند نماینده شاهرود که در مقام هفتم است) و یا از شهرت محلی (مانند نماینده بم که در مقام سوم و یا نماینده مراغه و عجب شیر که در مقام هشتم است) برخوردار بوده اند.

^۵ در این بررسی آرای نمایندگان اقلیت های دینی در نظر گرفته نشده است.

جدول شماره ۲

۸ نماینده مجلس نهم که بیش از ۶۰ درصد آراء را در مرحله اول انتخابات کسب کرده اند

ردیف	استان و حوزه انتخابیه	تعداد دارندگان حق رای در حوزه مربوطه ^۶	جمع کل آراء ماخوذه در حوزه مربوطه	تعداد آراء نماینده منتخب	درصد آراء نماینده نسبت به کل آراء ماخوذه (آرای صحیح)	تعداد کل داوطلبین در حوزه مربوطه
۱	اصفهان - نماینده فلاورجان	-	۱۰۶۴۹۶	۸۳۸۰۱	۷۸،۶۹ درصد	۴ نامزد
۲	آذربایجان غربی - نماینده بوکان	-	۹۷۷۷۷	۶۸۱۹۱	۶۹،۷۴ درصد	۳ نامزد
۳	کرمان - نماینده بم	-	۱۴۰۴۶۶	۹۴۳۱۰	۶۷،۱۴ درصد	۷ نامزد
۴	خوزستان - نماینده شوش	-	۹۷۳۶۷	۶۵۱۱۷	۶۶،۸۸ درصد	۲ نامزد
۵	یزد - نماینده اردکان	-	۳۹۸۳۰	۲۵۹۴۵	۶۵،۱۴ درصد	۳ نامزد
۶	خوزستان - نماینده اندیمشک	-	۹۹۰۸۳	۶۳۲۱۱	۶۳،۸۰ درصد	۷ نامزد ^۷
۷	سمنان - نماینده شاهرود و میامی	-	۱۱۵۲۴۱	۷۱۳۳۱	۶۱،۹۰ درصد	۵ نامزد
۸	آذربایجان شرقی - نماینده مراغه و...	-	۱۵۲۷۸۵	۹۲۲۱۵	۶۰،۳۶ درصد	۹ نامزد

^۶. تعداد واجدین شرایط رای دادن در حوزه های انتخابیه بصورت حوزه به حوزه در دسترس نمی باشد. مراکز ذیصلاح تنها آمار کلی واجدین شرایط رای دادن در هر یک از استانهای کشور را منتشر کرده اند.

^۷. شایان توجه است که در حوزه اندیمشک، چهار نامزد آخر لیست به ترتیب ۳۱۲، ۲۸، ۱۹ و ۷ رای کسب کرده اند.

۱-۴- کاهش و جاهت نمایندگان

کاهش وزن آرا و تقلیل حد نصاب انتخاب نامزدهای مجلس در مرحله اول در طی این مدت کوتاه (از قانون انتخابات مجلس در سال ۱۳۶۲ تا قانون مصوب ۱۳۷۸) دو ایراد در بردارد. یکی مربوط به وجاهت نمایندگان و دیگری مربوط به دو مرحله ای بودن انتخابات است. آقای دکتر سید محمد هاشمی با اشاره به کاهش وزن آرا و تقلیل حد نصاب در مرحله اول انتخابات می نویسد: «تنزل اشتراط از اکثریت مطلق به ترتیب فوق [به یک سوم آراء] از وجاهت نمایندگان می کاهد و با این توصیف، اصولاً انتخابات دو مرحله ای امری زاید به نظر میرسد».^۸ لازم به ذکر است که اظهار نظر آقای دکتر هاشمی مربوط به قبل از قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸ است و در آن زمان برای انتخاب شدن در مرحله اول، کسب حداقل «یک سوم کل آرا» لازم بود، در حالی که بر اساس قانون فعلی انتخابات کسب حداقل «یک چهارم کل آرا» برای راهیابی به مجلس در همان مرحله اول کافیهست. به عبارت دیگر از آنزمان تا به امروز، وزن رای نمایندگان برای ورود به مجلس در مرحله اول بازهم پائین تر آمده است. چنانچه درصد غائبین در انتخابات را نیز در نظر بگیریم، «یک چهارم کل آراء» در واقع درصد بازهم کمتری از کل حائزین شرایط رای دادن در حوزه های انتخابیه است. به گونه ای که اگر مشارکت در انتخابات مجلس را حدود ۶۰ درصد فرض کنیم، نماینده ای که با کسب «یک چهارم کل آرا» در همان مرحله اول به مجلس راه می یابد در واقع، رای فقط ۱۵ درصد دارندگان حق رای را پشت سر خود دارد. با این حال به نظر میرسد که کاهش «وجاهت نمایندگان» هرچند امری جدی است اما از نوعی نسبیست برخوردار است. بدین معنی اگر بخواهیم وجاهت نمایندگان مجلس های مختلف را با هم مقایسه کنیم، طبیعتاً مجلسی که نمایندگانش برای انتخاب شدن در مرحله اول نیاز به کسب بیش از نیمی از کل آرا داشته باشند با مجلسی که نمایندگانش برای انتخاب شدن در مرحله اول تنها به کسب یک چهارم کل آرا بسنده می کنند از وجاهت بالاتری برخوردار است. از چنین زاویه ای میتوان گفت که مجلس اول در مقایسه با مجالس بعدی و به خصوص مجالس هشتم و نهم از وجاهت به مراتب بالاتری برخوردار است.

البته پس از پایان هر انتخابات مجلس، میان نمایندگانی که در مرحله اول یا در مرحله دوم انتخاب شده اند نمی توان تفاوتی قائل شد. آنها را نمی توان به دو گروه تقسیم نمود: گروهی که در مرحله اول به مجلس راه یافته اند و گروهی که در مرحله دوم وارد مجلس شده اند و سپس برای گروه اول وجاهت بیشتر و برای گروه دوم وجاهت کمتری قائل شد بخصوص اگر برای انتخاب در مرحله اول، حد نصاب را به «یک چهارم کل آراء» تقلیل داده باشیم. در چنین وضعیتی، چه بسا نماینده ای که در حوزه انتخابیه خویش در همان مرحله اول با کسب اکثریت یک چهارم آراء وارد مجلس شده باشد و در همان حال آرای او از آرا نماینده ای که از همان حوزه انتخابیه و یا حوزه انتخابیه دیگری اما در مرحله دوم به مجلس راه یافته است کمتر نیز باشد.

برای مثال، با مراجعه به جدول شماره ۳ درمیابیم که در انتخابات مجلس نهم که در اسفند ماه سال ۱۳۹۰ برگزار شد، در استان اصفهان، نماینده منتخب از حوزه انتخابیه نظنز و بخش قمصر، در مرحله اول، تنها با کسب ۱۲۹۵۶ رای به مجلس راه یافت ولی در همان انتخابات و در همان استان، نماینده حوزه انتخابیه لنجان با کسب ۲۲۹۲۷ رای، در مرحله دوم، وارد مجلس شده است. به عبارت دیگر نماینده ای که در دور دوم به مجلس راه یافته قریب به دو برابر نماینده ای

^۸ سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، قم، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷.

که در دور اول وارد مجلس شده رای کسب کرده است.^۹ اما نمیتوان کتمان نمود که در هر دو حالت، وزن رای چنین نمایندگان بسیار سبک است.

با توجه به تعداد واجدین شرایط رای دادن در کل کشور و با در نظر گرفتن تعداد کرسی های مجلس، وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی در کل کشور ۱۶۶۵۱۳ رای است. در چنین صورتی راهیابی به مجلس با تکیه به ۱۰ هزار، ۲۰ هزار و یا حتی ۳۰ هزار رای که به ترتیب مبین ۶ درصد، ۱۲ درصد و ۱۸ درصد وزن هر کرسی مجلس است، نشاندهنده ضعف نمایندگی است و وجاهت قوه مقننه را خدشه دار میکند. اگر به نتایج انتخاباتی استان اصفهان در انتخابات مجلس نهم (جدول شماره ۳) رجوع کنیم به کاهش شدید وزن آراء نمایندگان پی خواهیم برد. در این جدول مشاهده می شود که از ۱۹ نماینده استان اصفهان^{۱۰} فقط ۵ نماینده موفق به کسب بیش از ۴۵ هزار رای شده اند. این تعداد رای تنها برابر با ۲۷،۸ درصد وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در کل کشور است. پنج نماینده دیگر کمتر از ۳۴ هزار رای (۲۱ درصد وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی) کسب کرده اند و میانگین رای ۹ نماینده دیگر فقط ۱۶۶۵۸ رای میباشد، در حالیکه وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در استان اصفهان ۱۵۷۲۶۰ رای و در کل کشور ۱۶۶۵۱۳ رای است. به عبارت دیگر قریب به نیمی از نمایندگان استان اصفهان تنها معرف ۵۹،۱۰ درصد کلیه دارندگان حق رای برای هر کرسی نمایندگی در استان اصفهان (وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در حوزه های استان اصفهان) و یا معرف ۱۰ درصد کلیه دارندگان حق رای به ازای هر کرسی نمایندگی در کشور (وزن تئوریک آراء برای هر کرسی نمایندگی در کشور) می باشند.

جدول شماره ۳

نتایج انتخابات مجلس نهم در استان اصفهان

مرحله راهیابی به مجلس	وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در استان اصفهان	وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در کل کشور	جمع آراء نامزدهای هر حوزه انتخابیه تک کرسی	کل آراء منتخبان حوزه	تعداد نماینده حوزه	نام حوزه انتخابیه
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۲۷۱۵۰	۱۰۸۸۳	۱	اردستان
اول				۲۲۹۴۲۰		
اول				۱۱(۴۵۸۸۴)		

^۹. برای مقایسه سایر نتایج به جدول مربوط به نتایج انتخابات مجلس نهم از استان اصفهان (جدول شماره ۲) مراجعه شود.
^{۱۰}. در بررسی نتایج استان اصفهان آراء منتخبین را با وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در کل کشور (۱۶۶۵۱۳ رای) مقایسه کرده ایم در حالیکه وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در استان اصفهان برابر با ۱۵۷۲۶۰ رای است. با این حال به دلیل نزدیک بودن وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در استان اصفهان با وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در کل کشور تغییر مهمی در نتایجی که ارائه داده ایم حاصل نمی شود.

^{۱۱}. برای بدست آوردن وزن انتخاباتی هر یک از پنج نماینده حوزه انتخابیه شهرستان اصفهان و سهولت مقایسه آن با آرای سایر نمایندگان، آرای هر یک از آنها را به تعداد ۵ کرسی آن حوزه تقسیم نموده ایم. در نتیجه وزن انتخاباتی نمایندگان حوزه انتخابیه شهرستان اصفهان به

اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	-	۱۶۹۶۷۷ (۳۳۹۳۵)	۵	اصفهان
اول				۱۶۵۸۱۰ (۳۳۱۶۲)		
دوم				۱۵۶۹۳۹ (۳۱۳۸۸)		
				۱۳۰۸۹۸ (۲۶۱۸۰)		
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۱۰۰۵۷۷	۳۱۲۹۹	۱	خمینی شهر
دوم	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۴۳۷۴۶	۱۰۷۴۶	۱	سمیرم ^{۱۲}
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۱۱۰۴۹۱	۵۶۸۰۷	۱	شاهین شهر
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۷۶۷۶۳	۲۰۷۳۷	۱	شهرضا و دهاقان
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۸۷۹۱۸	۳۴۶۹۳	۱	فریدن، فریدون شهر و ...
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۱۰۶۴۹۶	۸۳۸۰۱	۱	فلاورجان
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۱۷۱۵۰۴	۴۹۱۹۶	۱	کاشان و آران و بیدگل
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۴۶۲۳۲	۱۴۳۶۵	۱	گلپایگان و خوانسار
دوم	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۴۲۸۴۹	۲۲۹۲۷	۱	لنجان
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۶۴۲۴۶	۱۷۸۴۳	۱	مبارکه
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۳۵۲۵۰	۱۳۲۸۷	۱	نائین، خور و بیابانک
اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳	۱۳۷۱۲۹	۶۶۰۷۵	۱	نجف آباد، تیران و کرون

ترتیبی است که در پرائننز قرار داده ایم.

^{۱۲}. تمامی اطلاعات مندرج در این جدول از نتایج منتشره بوسیله ستاد انتخاباتی کشور برگرفته شده اند. اما در سایت مجلس و در لیست نمایندگان مجلس از سمیرم در استان اصفهان نام خانم سکینه عمرانی درج شده است. این نماینده در دور اول انتخابات، با ۷۷۲۸ رای در مقام سوم قرار داشته و بنا بر اطلاعاتی که در سایت ستاد انتخابات کل کشور است جزو شرکت کنندگان در دور دوم قرار نگرفته است. اما بعداً در انتخابات مرحله دوم موفق به کسب ۲۰۵۳۴ رای شده است. این امر ناشی از حذف یکی از دو داوطلب اول قبل از برگزاری مرحله دوم می باشد. با این حذف، خانم سکینه عمرانی که نفر سوم بوده توانسته است در مرحله دوم انتخابات شرکت کرده و انتخاب شود.

اول	۱۵۷۲۶۰	۱۶۶۵۱۳		۱۲۹۵۶	۱	نظری و قمصر
-----	--------	--------	--	-------	---	-------------

۱ - ۵ - اختلاف فاحش وزن کرسی های مجلس

عوامل مختلفی در نتایجی که فوقاً مورد اشاره قرار گرفت موثر می باشند. از جمله آنها می توان به عدم توازن میان حوزه های انتخابیه اشاره نمود. به این معنی اگر کرسی های اختصاص داده شده به هر حوزه انتخابیه استانی را به نسبت تعداد واجدین شرایط رای دادن در همان حوزه استانی بسنجیم به سرعت متوجه می شویم به ازای هر کرسی نمایندگی مجلس، تعداد کم و بیش یکسانی از واجدین شرایط رای دادن در نظر گرفته نشده است و وزن کرسی ها در استان های مختلف قرابت چندانی با یکدیگر ندارند و بلکه اختلاف زیادی میان آنها وجود دارد. برای روشن شدن این امر، یک بررسی کلی در زمینه تعداد واجدین شرایط رای دادن در هر استان و تعداد کل نمایندگان همان استان انجام داده ایم. نتیجه آن حاکی از تشتت زیاد و عدم تناسب میان رای دهندگان و تعداد کرسی های هر استان است. اما به این سوال که آیا در درون هر استان، بین حوزه های انتخابیه آن استان نوعی توازن وجود دارد یا نه، در بخش دوم پرداخته ایم. در اینجا به مقایسه حوزه های استانی می پردازیم.

جهت مقایسه وزن کرسی های مجلس در هر یک از استانها جدول شماره ۴ را تهیه نموده ایم. با مراجعه به این جدول مشاهده می کنیم که به استان سمنان با ۴۳۶۴۹۲ دارنده شرایط رای دادن، ۴ کرسی مجلس اختصاص داده شده است، اما برای استان قم که در آن ۶۵۵۹۸۸ دارنده شرایط رای دادن وجود دارد فقط ۳ کرسی نمایندگی مجلس در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر در استان سمنان به ازای هر ۱۰۹۱۲۳ رای دهنده یک کرسی نمایندگی پیش بینی شده است اما برای استان قم به ازای هر ۲۱۸۶۶۳ رای دهنده (بیش از دو برابر رای دهندگان استان سمنان) یک کرسی نمایندگی وجود دارد. بر این اساس می توان گفت که مردم استان قم معادل نصف مردم استان سمنان در مجلس نماینده دارند. بدون تردید این چنین فاصله ای غیر قابل توجیه، بی عدالتی انتخاباتی و مغایر با اصل برابری آحاد ملت است. با مراجعه به جدول شماره ۴ همچنین درمی یابیم که بیشترین پشتوانه تئوریک برای هر کرسی نمایندگی به استان تهران تعلق دارد. در این استان وزن هر کرسی نمایندگی مجلس برابر با ۲۳۱۴۸۶ رای است در حالیکه پشتوانه تئوریک هر کرسی نمایندگی مجلس از استان سمنان تنها ۱۰۹۱۲۳ رای می باشد. وزن کرسی انتخاباتی استان سمنان از سایر استانهای دیگر سبک تر است.

جدول شماره ۴

وزن کرسی های هر استان و تعداد واجدین شرایط رای دادن^{۱۳}

وزن هر کرسی نمایندگی در هر استان	جمع کل نمایندگان هر استان	تعداد واجدین شرایط رای دادن	نام استان	شماره	در ادامه دو گروه از کشور را که سنگین ترین تئوریک رای دارند از داده ایم. این نکات غیر رهنمون
۱۲۹۵۵۴	۱۹	۲۴۶۱۵۵۳	آذربایجان شرقی	۱	
۱۵۶۹۲۹	۱۲	۱۸۸۳۱۴۴	آذربایجان غربی	۲	
۱۱۴۹۸۳	۷	۸۰۴۸۸۱	اردبیل	۳	
۱۵۷۲۶۰	۱۹	۲۹۸۷۹۴۶	اصفهان	۴	
۱۱۹۲۲۹	۳	۳۵۷۶۸۷	ایلام	۵	
۱۴۵۲۰۶	۴	۵۸۰۸۲۲	بوشهر	۶	
۲۳۱۴۸۶	۳۵	۸۷۹۶۴۶۶	تهران ^{۱۴}	۷	
۱۴۰۵۶۰	۴	۵۶۲۲۳۸	چهارمحال و بختیاری	۸	
۱۱۱۳۷۰	۴	۴۴۵۴۸۰	خراسان جنوبی	۹	
۱۹۰۳۲۳	۱۸	۳۴۲۵۸۲۲	خراسان رضوی	۱۰	
۱۲۱۰۸۲	۴	۴۸۴۳۲۶	خراسان شمالی	۱۱	
۱۵۵۶۴۷	۱۸	۲۸۰۱۶۴۴	خوزستان	۱۲	
۱۲۶۴۳۲	۵	۶۳۲۱۶۰	زنجان	۱۳	
۱۰۹۱۲۳	۴	۴۳۶۴۹۲	سمنان	۱۴	
۱۶۳۳۲۸	۸	۱۳۰۶۶۲۴	سیستان و بلوچستان	۱۵	
۱۵۷۹۰۱	۱۸	۲۸۴۲۲۰۹	فارس	۱۶	
۱۸۷۳۰۱	۴	۷۴۹۲۰۵	قزوین	۱۷	
۲۱۸۶۶۳	۳	۶۵۵۹۸۸	قم	۱۸	

^{۱۳}. در این تابلو، تعداد واجدین شرایط رای دادن بر اساس آمار رسمی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ تعیین شده است.

^{۱۴}. آمار واجدین شرایط رای دادن استان البرز از تعداد واجدین شرایط استان تهران جدا نشده است. لازم است یاد آور شویم که در محاسبه خود برای بدست آوردن وزن هر کرسی نمایندگی برای استان تهران، تعداد واجدین شرایط رای دادن در این استان را با در نظر گرفتن رای دهندگان استان البرز (رویهمرفته ۸۷۹۶۴۶۶ دارنده حق رای) و نیز با در نظر گرفتن جمع کل نمایندگان این دو استان (۳۵ کرسی استان تهران + ۳ کرسی استان البرز) محاسبه کرده ایم. اضافه کنیم که آمار واجدین شرایط رای دادن در استان تهران از آماری که در جریان انتخابات مجلس هشتم بوسیله مسئولان امر ارائه داده شده بود به مراتب کمتر است. در جریان انتخابات مجلس هشتم، در اسفند ماه ۱۳۸۶، آقای صفرعلی براتلو، رئیس ستاد انتخابات استان تهران تعداد واجدین شرایط حوزه های استان تهران را ۹۷۳۷۵۶۵ نفر اعلام کرده بود. از آن میان واجدین شرایط رای دادن در حوزه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر ۶۴۰۳۳۰۸ نفر اعلام شده بود.

^{۱۵}. برای مثال استان سمنان که دارای ۴۳۶۴۹۲ واجد شرایط رای دادن است ۴ کرسی نمایندگی در اختیار دارد و استان هرمزگان با بیش از دو برابر واجدین شرایط (۹۱۹۹۰۸ دارنده حق رای) فقط ۵ کرسی نمایندگی در اختیار دارد.

۱۵۷۳۰۳	۶	۹۴۳۸۱۸	کردستان	۱۹
۱۷۳۸۲۸	۱۰	۱۷۳۸۲۸۰	کرمان	۲۰
۱۵۳۹۵۹	۸	۱۲۳۱۶۷۲	کرمانشاه	۲۱
۱۳۸۵۶۵	۳	۴۱۵۶۹۴	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲
۱۵۱۳۹۶	۷	۱۰۵۹۷۶۹	گلستان	۲۳
۱۲۱۲۳۴	۱۳	۱۵۷۶۰۴۶	گیلان	۲۴
۱۲۴۹۹۳	۹	۱۱۲۴۹۴۰	لرستان	۲۵
۱۵۹۶۰۳	۱۲	۱۹۱۵۲۴۰	مازندران	۲۶
۱۲۶۵۰۸	۷	۸۸۵۵۵۷	مرکزی	۲۷
۱۸۳۹۸۲	۵	۹۱۹۹۰۸	هرمزگان	۲۸
۱۳۹۵۸۳	۹	۱۲۵۶۲۵۰	همدان	۲۹
۱۵۲۳۳۵	۴	۶۰۹۳۴۱	یزد	۳۰
	۳		البرز	۳۱

همانگونه که می دانیم بر اساس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ تعداد نمایندگان مجلس از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر افزایش یافت. از میان این ۲۹۰ کرسی ۵ کرسی به اقلیت های دینی اختصاص داده شده است. حال اگر جمع کل واجدین شرایط رای دادن در کشور را که بر اساس آمار ارائه شده از طرف وزیر کشور برای انتخابات مجلس نهم اعلام شده است ۴۸۲۸۸۷۹۹ نفر بشمار آوریم و آنرا به تعداد کرسی های مجلس (تمامی ۲۹۰ کرسی) تقسیم نمائیم، عدد ۱۶۶۵۱۳ بدست می آید که از آن به عنوان «وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی مجلس در کل کشور» میتوان یاد کرد. به عبارت دیگر هر کدام از نمایندگان مجلس، از لحاظ تئوریک و در سطح کشوری، ۱۶۶۵۱۳ رای را نمایندگی میکند.^{۱۶}

با بررسی دقیق حوزه های انتخاباتی - استانی کشور به این نتیجه میرسیم که کرسی های اختصاص داده شده به هر استان تناسبی با «وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی» در مجلس ندارند و تفاوت میان استانها بعضا تفاوتی فاحش است. ما در اینجا دو گروه از استانها را از یکدیگر تمیز داده ایم. گروه اول از استان هائی تشکیل شده است که کرسی های آنها از کمترین وزن تئوریک رای مردم برخوردارند و گروه دوم متشکل از استان هائی است که پشتوانه تئوریک رای آنها برای هر کرسی در مجلس در بالاترین حد در کشور است.

جدول شماره ۵

هفت استان انتخاباتی که سبک ترین پشتوانه رای برای هر کرسی نمایندگی را دارند

شماره	نام استان	پشتوانه تئوریک رای	کل	متوسط پشتوانه	تعداد فرضی کرسی بر
-------	-----------	--------------------	----	---------------	--------------------

^{۱۶}. یادآور میشویم که وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی بیشتر از این رقم است زیرا که ۵ کرسی مربوط به اقلیت های دینی را نیز در عملیات خود همانند یک کرسی معمولی بحساب آورده ایم.

		برای هر کرسی نماینده	تعداد کرسی استان	تئوریک رای در کل کشور	اساس وزن تئوریک هر کرسی نمایندگی در کل کشور
۱	سمنان	۱۰۹۱۲۳	۴	۱۶۶۵۱۳	۳ کرسی
۲	خراسان جنوبی	۱۱۱۳۷۰	۴	۱۶۶۵۱۳	۳ کرسی
۳	اردبیل	۱۱۴۹۸۳	۷	۱۶۶۵۱۳	۵ کرسی
۴	ایلام	۱۱۹۲۲۹	۳	۱۶۶۵۱۳	۲ کرسی
۵	خراسان شمالی	۱۲۱۰۸۲	۴	۱۶۶۵۱۳	۳ کرسی
۶	گیلان	۱۲۱۲۳۴	۱۳	۱۶۶۵۱۳	۹ کرسی
۷	لرستان	۱۲۴۹۹۳	۹	۱۶۶۵۱۳	۷ کرسی

هفت استانی که سبک ترین پشتوانه تئوریک رای برای هر کرسی نمایندگی را در اختیار دارند عبارتند از: ۱ - استان سمنان با ۴ کرسی برای ۴۳۶۴۹۲ رای دهنده، از قرار ۱۰۹۱۲۳ رای برای هر کرسی؛ ۲ - استان خراسان جنوبی با ۴ کرسی برای ۴۴۵۴۸۰ رای دهنده، از قرار ۱۱۱۳۷۰ رای برای هر کرسی؛ ۳ - استان اردبیل با ۷ کرسی برای ۸۰۴۸۸۱ رای دهنده، از قرار ۱۱۴۹۸۳ رای برای هر کرسی؛ ۴ - استان ایلام با ۳ کرسی برای ۳۵۷۶۸۷ رای دهنده، از قرار ۱۱۹۲۲۹ رای برای هر کرسی؛ ۵ - استان خراسان شمالی با ۴ کرسی برای ۴۸۴۳۲۶ رای دهنده، از قرار ۱۲۱۰۸۲ رای برای هر کرسی؛ ۶ - استان گیلان با ۱۳ کرسی برای ۱۵۷۶۰۴۶ رای دهنده، از قرار ۱۲۱۲۳۴ رای برای هر کرسی و بالاخره ۷ - استان لرستان با ۹ کرسی برای ۱۱۲۴۹۴۰ رای دهنده، از قرار ۱۲۴۹۹۳ رای برای هر کرسی نمایندگی.

با مراجعه به جدول شماره ۶ درمی یابیم که ۷ استان دارنده سبک ترین پشتوانه رای در کشور جایگاه سنگین تری در مجلس دارند. مردم این ۷ استان نسبت به مردم سایر استانها نمایندگان بیشتری به مجلس می فرستند. اگر تعداد دارندگان حق رای در این استانها را به «وزن تئوریک هر کرسی» مجلس که عبارت از ۱۶۶۵۱۳ رای است تقسیم کنیم، متوجه می شویم که تعداد نمایندگان مجلس در این استانها متناسب با تعداد رای دهندگانشان نمی باشند. برای این ۷ استان در حال حاضر جمعا ۴۴ کرسی در مجلس شورای اسلامی وجود دارد در حالیکه «حق» آنها تنها ۳۱ یا ۳۲ کرسی خواهد بود.^{۱۷} در مقایسه با متوسط کشور، این استانها با مازاد نمایندگی مواجه اند و ۱۳ تا ۱۲ کرسی نمایندگی اضافی در اختیار دارند.

جدول شماره ۶

مقایسه تعداد کرسی های موجود و تعداد کرسی های فرضی مبتنی بر متوسط پشتوانه رای در کل کشور برای هر کرسی نمایندگی در ۷ استان دارای سبک ترین پشتوانه رای

^{۱۷}. این نتیجه (۳۱ کرسی) با محاسبه کرسی ها بطور جداگانه، استان به استان، برای هر یک از این ۷ استان مطابقت کامل ندارد. در صورت محاسبه کرسی ها بطور جداگانه، تعداد کرسی ها ۳۲ عدد خواهد بود.

جمع کل دارندگان حق رای در ۷ استان دارای سبک ترین پشتوانه رای	جمع کرسی های فعلی مجلس برای ۷ استان دارای سبک ترین پشتوانه رای	جمع کرسی های این ۷ استان بر اساس وزن هر کرسی نمایندگی در کل کشور	اختلاف بین کرسی های موجود و کرسی های مبتنی بر وزن هر کرسی در کل کشور
۵۲۲۹۸۵۲	۴۴ کرسی	۳۱ کرسی	۱۳ کرسی اضافی در حال حاضر

جدول شماره ۷ استان هائی که سنگین ترین پشتوانه تئوریک رای را دارند نشان می دهد. هفت استانی که سنگین ترین پشتوانه تئوریک رای برای هر کرسی نمایندگی را در اختیار دارند عبارتند از: ۱ - استان تهران^{۱۸} با ۳۸ کرسی برای ۸۷۹۶۴۶۶ رای دهنده، از قرار ۲۳۱۴۸۶ رای برای هر کرسی؛ ۲ - استان قم با ۳ کرسی برای ۶۵۵۹۸۸ رای دهنده، از قرار ۲۱۸۶۶۳ رای برای هر کرسی؛ ۳ - استان خراسان رضوی با ۱۸ کرسی برای ۳۴۲۵۸۲۲ رای دهنده، از قرار ۱۹۰۳۲۳ رای برای هر کرسی؛ ۴ - استان قزوین با ۴ کرسی برای ۱۸۷۳۰۱ رای دهنده، از قرار ۱۸۳۹۸۲ رای برای هر کرسی؛ ۵ - استان هرمزگان با ۳ کرسی برای ۹۱۹۹۰۸ رای دهنده، از قرار ۱۸۳۹۸۲ رای برای هر کرسی؛ ۶ - استان کرمان با ۱۰ کرسی برای ۱۷۳۸۲۸ رای دهنده، از قرار ۱۷۳۸۲۸ رای برای هر کرسی و بالاخره ۷ - استان سیستان و بلوچستان با ۸ کرسی برای ۱۳۰۶۶۲۴ رای دهنده، از قرار ۱۶۳۳۲۸ رای برای هر کرسی نمایندگی.

جدول شماره ۷

هفت استان انتخاباتی که سنگین ترین پشتوانه رای برای هر کرسی نمایندگی را دارند

شماره	نام استان	پشتوانه تئوریک رای برای هر کرسی در حال حاضر	کل کرسی های استان در حال حاضر	متوسط پشتوانه تئوریک رای در کل کشور	تعداد کرسی بر اساس متوسط پشتوانه تئوریک رای در کل کشور
۱	تهران	۲۳۱۴۸۶	۳۸	۱۶۶۵۱۳	۵۳ کرسی
۲	قم	۲۱۸۶۶۳	۳	۱۶۶۵۱۳	۴ کرسی
۳	خراسان رضوی	۱۹۰۳۲۳	۱۸	۱۶۶۵۱۳	۲۱ کرسی
۴	قزوین	۱۸۷۳۰۱	۴	۱۶۶۵۱۳	۴ کرسی
۵	هرمزگان	۱۸۳۹۸۲	۳	۱۶۶۵۱۳	۶ کرسی
۶	کرمان	۱۷۳۸۲۸	۱۰	۱۶۶۵۱۳	۱۰ کرسی

^{۱۸} در محاسبه خود جدا شدن استان البرز از استان تهران را در نظر نگرفته ایم، خاصه آنکه آماري در مورد تعداد واجدین شرایط رای دادن در استان البرز از طرف مقامات ذیصلاح ارائه داده نشده است. بنابراین تعداد واجدین شرایط رای دادن و نیز تعداد کل کرسی های نمایندگی مربوط به قبل از جدا شدن استان البرز است و جدائی استان البرز نتیجه گیری ما را مخدوش نمی کند.

۷	سیستان و بلوچستان	۱۶۳۳۲۸	۸	۱۶۶۵۱۳	۸ کرسی
---	-------------------	--------	---	--------	--------

با مراجعه به جدول شماره ۸ درمی یابیم که ۷ استان دارنده سنگین ترین پشتوانه رای در کشور جایگاه ضعیف تری در مجلس دارند و مردم این استانها نمایندگان کمتری به مجلس میفرستند. اگر تعداد دارندگان حق رای در این استانها را به متوسط وزن (پشتوانه) تئوریک هر کرسی مجلس که عبارت از ۱۶۶۵۱۳ رای است تقسیم کنیم، درمیابیم که تعداد نمایندگان مجلس در این استانها متناسب با تعداد واجدین شرایط رای دادن آنها نیست. برای این ۷ استان در حال حاضر جمعا ۸۴ کرسی در مجلس شورای اسلامی وجود دارد در حالیکه «حق» آنها ۱۰۶ کرسی است. در مقایسه با متوسط کشور، این استانها با کسری نمایندگی مواجه اند و ۲۲ نماینده کم دارند.

از مجموع نکاتی که فوقا مورد اشاره قرار گرفتند میتوان به این نتیجه کلی دست یافت که تغییرقانون انتخابات و کاهش حد نصاب رای برای انتخاب شدن در مرحله اول از اکثریت مطلق به یک چهارم آراء توجیه قابل قبولی نداشته و تنها به کاهش وجاهت نمایندگان منجر میشود. در چنین شرایطی ما به مهم ترین راهکارهای اصلاح و نوسازی نظام انتخاباتی می پردازیم.

جدول شماره ۸

مقایسه تعداد کرسی های موجود و تعداد کرسی های فرضی مبتنی بر متوسط پشتوانه رای در کل کشور برای هر کرسی در مجلس در ۷ استان دارای سنگین ترین پشتوانه رای

جمع کل دارندگان حق رای در ۷ استان دارای سنگین ترین پشتوانه رای	جمع کرسی های فعلی مجلس برای ۷ استان دارای سنگین ترین پشتوانه رای	جمع کرسی های مجلس برای این ۷ استان بر اساس متوسط پشتوانه رای در کل کشور	اختلاف بین کرسی های موجود و کرسی های مبتنی بر متوسط پشتوانه رای در کل کشور
۱۷۵۹۲۲۹۳	۸۴ کرسی	۱۰۶ کرسی ^{۱۹}	کسری ۲۲ کرسی در وضع حاضر

۲ - راهکارهای اصلاح و نوسازی نظام انتخاباتی

راهکارهای زیرین بر اساس این پیش فرض است که نظام اکثریتی محفوظ بماند و نخواهیم، از این نقطه نظر، تغییری در قانون انتخابات بوجود آوریم. به عبارت دیگر فرض تغییر انتخابات اکثریتی به انتخابات تناسبی را پیشاپیش کنار گذاشته ایم. چنین فرضیه ای میتواند خود موضوع مقاله مفصل دیگری باشد.

۲ - ۱ - حذف مرحله دوم

^{۱۹}. این نتیجه در مقایسه با محاسبه کرسی های این ۷ استان بطور جداگانه، استان به استان، هیچ تفاوتی ندارد. در محاسبه استان به استان، جمع کل کرسی های که برای این استانها باید در نظر گرفت نیز برابر با ۱۰۶ کرسی است.

در نظام انتخاباتی اکثریت دو مرحله ای معمولاً نماینده ای که در مرحله اول موفق به کسب اکثریت مطلق آراء رای دهندگان بشود، به مجلس راه می یابد. در غیر اینصورت انتخابات به مرحله دوم کشانده میشود. در مرحله دوم، نامزدی که بیشترین آراء را کسب نماید وارد مجلس می شود. نظام های انتخاباتی دو مرحله ای، ساز و کارهایی را پیش بینی میکنند^{۲۰} تا از تعدد نامزدها در مرحله دوم جلوگیری نمایند و بدین وسیله در بیشتر حوزه های انتخاباتی نماینده ای که در مرحله دوم وارد مجلس می شود نیز از اکثریت مطلق آراء برخوردار است. به عبارت دیگر، تمامی نمایندگان منتخب در مرحله اول و غالب نمایندگان منتخب در مرحله دوم با تکیه بر آراء اکثریت مطلق رای دهندگان وارد پارلمان میشوند. بدین ترتیب میتوان گفت که یکی از دلایل مهم دو مرحله ای بودن انتخابات افزایش وجاهت و وزن انتخاباتی نمایندگان است که وارد مجلس قانونگذاری میشوند.

حال اگر بنا باشد نمایندگان با کسب فقط یک چهارم آراء به مجلس راه یابند، دیگر دلیل و توجیه قابل قبولی برای حفظ مرحله دوم وجود ندارد و سرنوشت انتخابات را باید در همان مرحله اول معین نمود، خاصه آنکه در شرایط فعلی و بر خلاف تصور رایج، یک مرحله ای شدن انتخابات منجر به بالا رفتن وزن انتخاباتی نمایندگان نیز میشود. در انتخابات یک مرحله ای، رای دهندگان آرای خود را به داوطلبی می دهند که دو شرط زیر را توأم دارا باشد: اولاً برنامه انتخاباتی اش، در کلیاتش، هماهنگ با نظرات رای دهنده باشد و دوماً شانس جدی برای انتخاب شدن داشته باشد. در انتخابات یک مرحله ای رای دهندگان توجه خاصی به فایده رای خود خواهند داشت زیرا شانس دومی (مرحله دوم) برای تغییر رای خود ندارند. بسیاری از رای دهندگان می دانند اگر نامزدشان شانس برای راهیابی به مجلس ندارد، رای آنها به هدر خواهد رفت و به همین دلیل رای خود را به نفع نامزدی که شانس بیشتری برای انتخاب شدن و در عین حال به خانواده فکری شان تعلق دارد اختصاص خواهند داد. هدف این رای دهندگان جلوگیری از راهیابی رقیب انتخاباتی به مجلس است ولو آنکه عقاید نماینده مورد نظرش (نماینده ای که به او رای میدهد و به خانواده فکری اش تعلق دارد) را بطور کامل نپسندد. به عبارت دیگر بسیاری از رای دهندگان از میان نامزدهایی که در جناح فکری شان (راست، چپ، رادیکال، اصولگرا، اصلاح طلب و غیره) قرار دارند، به آن نامزدی رای میدهند که شانس بیشتری برای انتخاب شدن و حذف کردن رقیب اصلی (که متعلق به جناح فکری مقابل است)، دارد و نه به آن نامزدی که قرابت فکری بیشتری با او دارند ولی شانس ناچیزی برای انتخاب شدن و حذف رقیب اصلی.

فرض کنیم در یک حوزه انتخاباتی که یک کرسی در اختیار دارد، نامزدهای شماره ۱ و ۳ از خانواده فکری «الف» باشند و نامزدهای شماره ۲ و ۴ از خانواده فکری «ب». اگر در این حوزه، از میان تمامی داوطلبان بیشترین شانس انتخاب شدن به نامزد شماره ۱ از خانواده فکری «الف» و نامزد شماره ۴ از خانواده فکری «ب» تعلق داشته باشد؛ بسیاری از رای دهندگانی که قرابت فکری با خانواده «الف» دارند اما نامزد شماره ۳ را بخود نزدیکتر میدانند بخاطر اینکه رای شان به

^{۲۰} در فرانسه انتخابات نمایندگان مجلس ملی دو مرحله ای است. برای راه یافتن به مجلس در همان مرحله اول، داوطلب باید : اولاً اکثریت مطلق آرای رای دهندگان را کسب نماید و دوماً این آراء باید حداقل برابر با یک چهارم تعداد کل ثبت نام شدگان روی لیست انتخاباتی در حوزه مربوطه باشد. در غیر اینصورت انتخابات به مرحله دوم کشانده می شود و دو داوطلبی که در مرحله اول بیشترین آراء را کسب نمایند به مرحله دوم انتخابات راه پیدا میکنند. سایر داوطلبان حوزه مربوطه فقط در صورتی میتوانند در مرحله دوم حضور یابند که در مرحله اول موفق به کسب رای حداقل ۱۲،۵ درصد تعداد ثبت نام شدگان روی لیست انتخاباتی در حوزه انتخابیه مربوطه شده باشند. یکی از هدف های مورد نظر قانونگذار، بالا بردن وجاهت نمایندگان مجلس ملی می باشد. لازم به ذکر است که با توجه به درصد غائبین در انتخابات مجلس فرانسه در خرداد ۱۳۹۱، کسب ۱۲،۵ درصد فوق الذکر معادل کسب بیش از ۲۰ درصد آراء رای دهندگان بوده است.

هدر نرود به نامزد شماره ۱ رای خواهند داد تا بلکه او بتواند رقیب اصلی را که متعلق به خانواده فکری «ب» است حذف نماید. به همین ترتیب بسیاری از رای دهندگانی که از خانواده فکری «ب» هستند ولی به نامزد شماره ۲ نزدیک ترند، برای جلوگیری از به هدر رفتن رای خود آنرا به نفع نامزد شماره ۴ که او نیز از خانواده فکری «ب» است در صندوق رای خواهند ریخت تا حتی الامکان از راهیابی رقیب اصلی که به خانواده فکری «الف» تعلق دارد، جلوگیری نمایند. بدین ترتیب تا حدی از پراکندگی و تشتت آراء جلوگیری می شود و به علاوه پشتوانه آراء نماینده ای که به مجلس راه می یابد افزایش خواهد داشت. در بررسی نتایج انتخابات مجلس نهم، به این امر توجه داشته ایم تا نتایج انتخابات را از زاویه دیگری نیز بررسی نمائیم. سوالی که برایمان مطرح شد این است: در انتخابات دوره نهم مجلس، در صورتی که انتخابات یک مرحله ای برگزار میشد (و با فرض عدم تغییر آرای رای دهندگان)، چه تغییری در نتایج آن رخ می داد؟ به عبارت دیگر آیا دو مرحله ای بودن انتخابات باعث تغییری در نتایج انتخابات شده است و آیا این تغییرات قابل توجه می باشند؟ با مراجعه به جدول شماره ۹ درمی یابیم که در صورتی که انتخابات مجلس نهم یک مرحله ای می بود تغییر قابل ملاحظه ای در نتایج انتخابات ایجاد نمی شد.

جدول شماره ۹

انتخابات مجلس نهم

تعداد منتخبین در مرحله اول و مرحله دوم و تغییرات آراء منتخبین در مرحله دوم

شماره	نام استان	جمع کل نمایندگان استان	منتخبین مرحله اول	منتخبین مرحله دوم	منتخبانی که در صدر بوده اند، (منتخبانی که در صدر نبوده اند) ^{۲۱}	تغییرات آراء در مرحله دوم + یا -
۱	آذربایجان شرقی	۱۹	۱۶	۳	۳ (۰)	+۳
۲	آذربایجان غربی	۱۲	۱۲	۰	-	-
۳	اردبیل	۷	۶	۱	۱ (۰)	+۱
۴	اصفهان*	۱۹	۱۶	۳	۳ (۰)	+۲ و -۱
۵	ایلام	۳	۰	۳	۲ (۱)	+۲
۶	بوشهر	۴	۴	۰	-	-

^{۲۱}. منظور آن تعداد از نمایندگان است که در دور اول انتخابات جزو نفرات اول نیستند و در صورتی که انتخابات یک مرحله ای می بود، وارد مجلس نمی شدند.

۳+ و ۲۲-	۲۳ (۲)	۲۵	۱۰	۳۵	تهران	۷
+۱	۱ (۰)	۱	۳	۴	چهارمحال و بختیاری	۸
-	-	۰	۴	۴	خراسان جنوبی	۹
+۱ و ۱-	۱ (۱)	۲	۱۶	۱۸	خراسان رضوی	۱۰
-	-	۰	۴	۴	خراسان شمالی	۱۱
+۴ و ۱-	۵ (۳)	۸	۱۰	۱۸	خوزستان	۱۲
-	-	۰	۵	۵	زنجان	۱۳
-	-	۰	۴	۴	سمنان	۱۴
-	-	۰	۸	۸	سیستان و بلوچستان	۱۵
-۱	۱ (۱)	۲	۱۶	۱۸	فارس	۱۶
-	-	۰	۴	۴	قزوین	۱۷
-	-	۰	۳	۳	قم	۱۸
+۲	۱ (۱)	۲	۴	۶	کردستان	۱۹
-	-	۰	۱۰	۱۰	کرمان	۲۰
+۱	۰ (۱)	۱	۷	۸	کرمانشاه	۲۱
-	-	۰	۳	۳	کهگیلویه و بویراحمند	۲۲
+۱	۰ (۱)	۱	۶	۷	گلستان	۲۳
+۱ و ۲-	۱ (۲)	۳	۱۰	۱۳	گیلان*	۲۴
+۴	۲ (۲)	۴	۵	۹	لرستان	۲۵
-	ابطال	۱	۱۱	۱۲	مازندران	۲۶
+۱	۰ (۱)	۱	۶	۷	مرکزی	۲۷
-	-	۰	۵	۵	هرمزگان	۲۸
+۲	۰ (۲)	۳	۶	۹	همدان*	۲۹
+۱	۱ (۰)	۱	۳	۴	یزد	۳۰
-	-	۰	۳	۳	البرز	۳۱

بدین ترتیب ملاحظه می کنیم اگر انتخابات یک مرحله ای می بود، از میان ۶۵ کرسی نمایندگی دستیابی به آنها به مرحله انتخابات دوم منوط شده است، ۴۵ تا آن در همان مرحله اول (و با رای به مراتب بیشتری) تصدی می شدند. به عبارت دیگر، دومرحله ای بودن انتخابات فقط سبب تغییر سرنوشت ۱۸ کرسی شده است. دو کرسی باقیمانده به دلایل

دیگری (ابطال انتخابات به وسیله شورای نگهبان) به داوطلبی که کمتر رای آورده است تعلق گرفته اند.

با بررسی آراء این نمایندگان نتایج دیگری نیز حاصل شده است که به قرار ذیل می باشد: از مجموع ۶۵ منتخب مرحله دوم انتخابات مجلس نهم، ۲۸ نماینده کاهش رای و ۳۷ نماینده افزایش رای داشته اند. بهبود آراء ۳۷ نماینده (در قبال کاهش آراء ۲۸ نماینده) در نگاه اول کمی فریبنده به نظر می رسد زیرا نشان از بهبود نسبی آراء ۹ نماینده دارد اما این فقط ظاهر امر است. لازم است متذکر شویم که اگر جمع آرائی را که این ۶۵ نماینده در مرحله اول بدست آورده اند با جمع آراء آنها در مرحله دوم بسنجیم براحتی درمیابیم در مجموع با کاهش شدید آراء مواجه شده اند، ریزش آرائی که کاملاً قابل توجه می باشد. این امر عمدتاً در حوزه انتخابیه تهران بوقوع پیوسته است.

با مراجعه به جدول شماره ۱۰ می توانیم درحوزه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر درصد آراء نمایندگان منتخب را نسبت به تعداد واجدین شرایط رای دادن در این حوزه و نیز تحول آراء نمایندگان منتخب مرحله دوم این حوزه انتخابیه را ملاحظه نمائیم. کاهش وزن انتخاباتی ۲۰ نماینده مرحله دوم (از جمع ۲۵ نماینده این مرحله) و ریزش آراء آنان در مرحله دوم به آسانی قابل رویت است. یادآور شویم آمار ارائه شده بوسیله دست اندرکاران مختلف انتخابات مجلس نهم در مورد تعداد واجدین شرایط رای دادن در حوزه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر دارای تناقض است و بدون هیچ توضیحی کم و زیاد می شود. با این حال برای اینکه در بررسی خود دچار اشتباه نشویم، به آخرین آماری که در طی انتخابات مجلس هشتم ارائه داده شده است مراجعه کرده ایم. این آمار دقیق ترین آمار بنظر می رسند. بنا بر اظهارات آقای صفرعلی براتلو رئیس ستاد انتخابات استان تهران در اسفند ۱۳۸۶ و قبل از برگزاری انتخابات مجلس هشتم، در استان تهران ۹۷۳۷۵۶۵ واجد شرایط رای دادن وجود داشته است که از آن میان، واجدین شرایط حوزه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر ۶۴۰۳۳۰۸ نفر بوده اند. ما در بررسی خود بدون احتساب افزایش یا جابجائی احتمالی جمعیت این حوزه انتخابیه جدول شماره ۱۰ را تنظیم کرده ایم. آراء هر یک از نمایندگان بر اساس آخرین شمارش آراء و پس از تأیید نتایج انتخابات بوسیله شورای نگهبان است و با آرائی که در سایت ستاد انتخابات وزارت کشور درج شده است تفاوتی بسیار جزئی دارند. در حوزه انتخابیه شهر تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر، کسری آراء نمایندگان در مرحله دوم برابر با ۱۲۶۳۵۳۵ رای بوده است. به عبارت دیگر در مرحله دوم انتخابات هر یک از ۲۵ نماینده تهران بطور متوسط ۵۰۵۴۱ رای کمتر از مرحله اول انتخابات رای کسب کرده اند.

در بررسی خود به این نتیجه رسیدیم که نمایندگان مرحله دوم از شهرستان ها (منظور تمام حوزه ها به استثناء حوزه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر است) در مجموع، آراء خود را بهبود بخشیده اند بطوری که ۴۰ نماینده شهرستانی جمعا ۵۶۰۸۱۹ رای بیشتر بدست آورده اند. میانگین افزایش رای این ۴۰ نماینده شهرستانی برابر با ۱۴۰۲۰ رای بوده است. در کل کشور، در مرحله دوم انتخابات مجلس نهم، جمع کل آراء (منظور دفعات تکرار اسامی نمایندگان است و نه تعداد رای دهندگان) ۶۵ نماینده ای که در این مرحله وارد مجلس شده اند برابر با ۱۰۶۲۸۱۲۲ رای بوده است. همین نمایندگان در مرحله اول انتخابات جمعا ۱۱۳۳۰۸۳۸ رای کسب کرده اند. به عبارت دیگر در مرحله دوم انتخابات این ۶۵ نماینده رویهم رفته ۷۰۲۷۱۶ رای ریزش داشته اند. بنابراین میانگین ریزش آراء برای هر یک از ۶۵ نماینده مذکور برابر با ۱۰۸۱۱ رای بوده است. این کاهش قابل توجه آراء در مرحله دوم انتخابات نیز قابل فهم است. به این معنی که در انتخابات دو مرحله ای، قاعدتاً سرنوشت انتخابات نه در مرحله اول بلکه در مرحله دوم تعیین می شود. اما نظام انتخاباتی ما از این جنبه کاملاً برعکس است زیرا سرنوشت اکثریت مهمی از نمایندگان مجلس در همان مرحله اول معین میشود،

در نتیجه مرحله دوم از اهمیت به مراتب کمتری برخوردار خواهد بود و توجه تعداد کمتری از رای دهندگان را جلب می کند.

اگر انتخابات مجلس نهم که در اسفند ۱۳۹۰ برگزار شد را با انتخابات مجلس فرانسه که در خرداد ۱۳۹۱ برگزار شد مقایسه کنیم به راحتی در می یابیم که این دو انتخابات که دو مرحله ای هستند، نتایج کاملاً متفاوتی داشته اند. در انتخابات اسفند ۹۰ در ایران سرنوشت ۲۲۵ کرسی نمایندگی (قریب ۷۸ درصد کل کرسی ها) در همان مرحله اول مشخص شد، اما در انتخابات مجلس فرانسه در خرداد ۹۱ در مرحله اول فقط ۳۶ نماینده از ۵۷۷ نماینده (کمتر از ۷ درصد کل کرسی ها) به مجلس راه یافتند و سرنوشت ۵۴۱ کرسی نمایندگی در مرحله دوم مشخص شد. به این ترتیب مرحله اصلی انتخابات در ایران، مرحله اول است در حالیکه در فرانسه، مرحله دوم است. به همین دلیل درصد شرکت کنندگان در انتخابات در مرحله دوم، در ایران دچار کاهش قابل ملاحظه ای می شود در حالیکه در فرانسه کاهش شرکت کنندگان نامحسوس است. به عبارت دیگر دو مرحله ای بودن انتخابات در ایران، خود دلیلی برای عدم شرکت رای دهندگان در مرحله دوم است.

سازماندهی و برگزاری دو مرحله برای چنین انتخاباتی با چنین نتایجی بیش از آنکه سودمند باشد، مضر است و تنها به هدر رفتن هزینه ها (از همه نوع) و اتلاف وقت و طولانی شدن دوره رقابت های انتخاباتی و تنش های سیاسی منجر می شود. مجموعه این عوامل باعث می شوند به این نتیجه برسیم که دلیل موجهی برای تائید و پافشاری بر ادامه برگزاری انتخابات در دو مرحله وجود ندارد. در چنین شرایطی و به فرض آنکه بخواهیم نظام اکثریتی را دست نخورده باقی بگذاریم، باید بپذیریم که دو مرحله ای بودن انتخابات قابل توجه نیست و انتخابات یک مرحله ای به مراتب منطقی تر و موجه تر است. با چنین فرضی، اصلاح و نوسازی نظام انتخاباتی کشور ضرورتاً از این مسیر می گذرد. از فرصتی که برای اصلاح و نوسازی نظام انتخاباتی بدست خواهد آمد باید بیشترین بهره برداری انجام شود و دو تغییر اساسی برای نوسازی نظام انتخاباتی کشور صورت بگیرند. یکی از این دو تغییر مربوط به لزوم صدور کارت انتخاباتی برای رای دهندگان است و دیگری مربوط به لزوم تقسیم تمامی حوزه های انتخاباتی که بیش از یک کرسی دارند به حوزه های تک کرسی.

جدول شماره ۱۰

درصد آراء نمایندگان و تغییر آراء منتخبین در مرحله دوم نسبت به مرحله اول در انتخابات مجلس نهم، حوزه انتخابیه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر

درصد آراء نمایندگان در مرحله دوم نسبت به واجدین شرایط رای دادن	آراء نمایندگان در مرحله دوم	درصد آراء نمایندگان در مرحله اول نسبت به واجدین شرایط رای دادن	آراء نمایندگان در مرحله اول	منتخبین به ترتیب آراء
-	-	۱۷،۴۸	۱۱۱۹۴۷۴	منتخب اول
-	-	۱۱،۰۸	۷۰۹۳۹۱	منتخب دوم
-	-	۱۰،۸۳	۶۹۳۳۸۴	منتخب سوم
-	-	۱۰،۷۹	۶۹۰۸۴۸	منتخب چهارم
-	-	۹،۱۴	۵۸۵۲۲۸	منتخب پنجم
۷،۶۸	۴۹۱۷۹۹	۷،۵۳	۴۸۱۹۹۱	منتخب ششم
۶،۷۴	۴۳۱۷۷۱	۷،۴۵	۴۷۷۴۰۵	منتخب هفتم
۶،۳۲	۴۰۴۵۹۵	۷،۵۱	۴۸۱۰۱۲	منتخب هشتم
۵،۹۴	۳۸۰۶۵۳	۶،۹۷	۴۴۶۱۵۸	منتخب نهم
۵،۹۳	۳۷۹۵۱۲	۵،۷۸	۳۷۰۰۳۷	منتخب دهم
۵،۷۷	۳۶۹۳۱۷	۵،۸۹	۳۷۷۳۶۶	منتخب یازدهم
۵،۷۵	۳۶۸۰۶۹	۵،۱۹	۳۳۲۵۹۱	منتخب دوازدهم
۵،۳۳	۳۴۰۹۹۹	۶،۴۶	۴۱۳۷۰۸	منتخب سیزدهم
۵،۱۲	۳۲۷۹۵۸	۴،۹۵	۳۱۶۸۰۸	منتخب چهاردهم
۵،۱۲	۳۲۷۸۱۸	۶،۲۳	۳۹۹۱۹۹	منتخب پانزدهم
۵،۰۲	۳۲۱۶۹۸	۶،۱۸	۳۹۵۶۵۶	منتخب شانزدهم
۴،۷۲	۳۰۱۹۵۶	۶،۷۶	۴۳۲۶۱۵	منتخب هفدهم
۴،۶۶	۲۹۸۶۲۹	۶،۲۳	۳۹۹۰۱۴	منتخب هیجدهم
۴،۶۴	۲۹۴۳۷۸	۴،۹۷	۳۱۸۴۹۸	منتخب نوزدهم
۴،۵۵	۲۹۱۶۰۰	۵،۷۴	۳۶۷۷۴۰	منتخب بیستم
۴،۴۷	۲۸۶۴۰۲	۶،۰۸	۳۸۹۰۱۹	منتخب بیست و یکم
۴،۴۶	۲۸۵۲۸۵	۵،۲۸	۳۳۸۱۹۶	منتخب بیست و دوم

۴,۴۴	۲۸۴۴۵۲	۶,۰۸	۳۸۹۲۵۶	منتخب بیست و سوم
۴,۳۸	۲۸۰۴۸۳	۵,۴۹	۳۵۱۳۳۱	منتخب بیست و چهارم
۴,۳۶	۲۷۹۳۰۲	۶,۰۶	۳۸۸۰۸۸	منتخب بیست و پنجم
۴,۲۴	۲۷۱۷۷۱	۵,۴۹	۳۵۱۵۲۵	منتخب بیست و ششم
۴,۱۹	۲۶۸۲۷۲	۴,۰۳	۲۵۸۳۴۲	منتخب بیست و هفتم
۴,۱۹	۲۶۸۱۳۳	۵,۴۴	۳۴۸۳۸۳	منتخب بیست و هشتم
۴,۱۰	۲۶۲۳۷۵	۳,۹۹	۲۵۵۳۵۹	منتخب بیست و نهم
۳,۹۸	۲۵۴۷۰۲	۴,۷۸	۳۰۶۱۹۴	منتخب سی ام

۲-۲- کارت و لیست انتخاباتی

کارت انتخاباتی مدرکی رسمی است که بوسیله مقامات ذیصلاح در هر شهر یا روستا، در اختیار دارندگان حق رای در آن شهر یا روستا قرار می گیرد. کارت انتخاباتی بر اساس لیست انتخاباتی در هر حوزه انتخابیه صادر میشود. به عبارت دیگر مرکزی برای ثبت نام دارندگان حق رای وجود دارد که پس از آنکه شهروندان آن حوزه به سن قانونی رسیدند، آنها را به عنوان رای دهندگان آن حوزه ثبت نام و سپس برایشان کارت انتخاباتی صادر می کند. موارد زیر در کارت انتخاباتی درج می شوند: نام حوزه انتخابیه که رای دهنده باید رای بدهد؛ مشخصات، آدرس و شماره شعبه اخذ رای؛ نام و نام خانوادگی، تاریخ و محل تولد و نیز آدرس صاحب کارت انتخاباتی؛ شماره دارنده کارت انتخاباتی در لیست انتخاباتی^{۲۲}؛ نام، امضا و مهر مقام صادر کننده کارت انتخاباتی و بالاخره امضای صاحب کارت انتخاباتی. یک چنین کارت انتخاباتی با مدرکی که شهروندان ایرانی در اختیار دارند و معمولاً یکی از صفحات شناسنامه آنان را تشکیل می دهد کاملاً متفاوت است. در روز انتخابات رای دهندگان باید کارت انتخاباتی و کارت شناسائی خود را در اختیار داشته و به شعبه اخذ رایی که آدرس آن روی کارت انتخاباتی شان درج شده است مراجعه کرده و رای دهند. بدین ترتیب کارت انتخاباتی به یکی از حوزه های انتخاباتی کشور پیوسته است و برای رای دادن در یک شعبه انتخاباتی از پیش تعیین شده معتبر است و برای رای دادن در حوزه های دیگر اعتبار ندارد^{۲۳}.

همانگونه که می دانیم، قانون انتخابات مجلس امکان رای دادن را در هر نقطه کشور برای دارندگان حق رای معجز می داند و هیچ منع قانونی برای رای دادن در حوزه ای که خارج از محدوده حوزه سکونت رای دهنده باشد وجود ندارد. در حال حاضر یک رای دهنده که ساکن شهرستان تهران است، میتواند در جریان انتخابات مجلس بجای رای دادن در حوزه انتخابیه اش در جای دیگری رای دهد و مثلاً در حوزه قم رای بدهد. در صورتی که اگر کارت انتخاباتی به حوزه

^{۲۲}. لیست انتخاباتی دفتر یا سندی است که در آن اسامی تمامی دارندگان حق رای در هر حوزه انتخاباتی ثبت شده است. در روز انتخابات، برگزار کنندگان انتخابات این لیست را در شعبه اخذ رای در اختیار دارند و تمام رای دهندگان پس از آنکه پاکت یا برگه رای خویش را روی شکاف صندوق گذاشتند، در مقابل اسم خودشان که در این لیست است امضا میکنند و بلافاصله پس از آن امضا، مسئول صندوق روی دکمه ای که بر روی شکاف نصب شده است فشار میدهد و برگه رای به صندوق میافتد. سپس کارت شناسائی (کارت ملی یا پاسپورت) و کارت انتخاباتی رای دهنده (پس از مهور شدن به مهر انتخاباتی) به او مسترد می گردد.

^{۲۳}. نک. جواد تقی زاده، "اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه"، پژوهش های حقوقی تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس،

انتخاباتی پیوسته باشد، فقط در حوزه انتخاباتی خویش می تواند رای بدهد. در صورت وجود کارت انتخاباتی و نیز لیست انتخاباتی از پیش آماده شده، رای دهنده ای که ساکن حوزه انتخابیه قم است باید در شهر قم و رای دهنده ای که ساکن حوزه انتخابیه تهران است باید در تهران رای خود را به صندوق بریزد. البته قاعده امر هم همین باید باشد زیرا علی القاعده هر رای دهنده ای در جریان انتخابات محلی و یا انتخابات مجلس با داوطلبان حوزه ای که در آن ساکن است آشنا می باشد و بر اساس شناختی که از آنها دارد به نماینده مورد نظر خویش در حوزه انتخاباتی خودش رای باید بدهد و نه در حوزه ای دیگر که ساکن آنجا نیست و داوطلبانش را نیز نمی شناسد.

ممکن است سوال شود که در صورتی که در روز رای گیری، رای دهنده قمی در تهران و رای دهنده تهرانی در قم باشد، آیا دو رای دهنده از رای دادن محروم می شوند؟ پاسخ منفی است، هیچ یک از این دو رای دهنده از دادن رای محروم نخواهد شد. به این معنی که هر یک از آنها می تواند به شخص مورد اعتماد خویش در حوزه انتخابیه شان وکالت بدهد تا در روز رای گیری به شعبه اخذ رای مراجعه کرده و به جای او رای اش را اعمال کند.^{۲۴} نوسازی نظام انتخاباتی، صدور کارت انتخاباتی برای تمامی رای دهندگان و تهیه لیست های انتخاباتی در مراکز صالحه کار رای گیری در شعبه های اخذ رای را نیز بطور قابل ملاحظه ای کاهش می دهد.

بر اساس آئین نامه اجرای قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ که از طرف وزارت کشور تهیه شده و به تصویب هیات وزیران رسیده است، «برنامه اخذ رای و قرائت آرا در ۶ مرحله» انجام می شود. برابر ماده ۶۵ این آئین نامه مرحله دوم، مرحله کنترل است که خود در دو مرحله انجام می گردد. یکی از مواردی که بوسیله «نماینده فرماندار یا بخشدار یا رئیس شعبه یا هر یک از منشی های شعبه ثبت نام و اخذ رای با ملاحظه شناسنامه رای دهنده» باید مورد توجه و کنترل قرار گیرد عبارت است از «... ۲ - شناسنامه متعلق به شخص مراجعه کننده بوده و صاحب آن در روز اخذ رای ۱۸ سال تمام را داشته باشد». در صورت صدور کارت انتخاباتی برای رای دهندگان نیازی به انجام چنین کنترلی وجود نخواهد داشت زیرا کارت انتخاباتی پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام برای صاحبان آن صادر می شود. به عبارت دیگر دارنده کارت انتخاباتی نمی تواند کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. به علاوه با صدور کارت انتخاباتی و با تهیه لیست های انتخاباتی از پیش آماده شده بوسیله مجریان انتخابات، دیگر به انجام مرحله سوم یعنی «مرحله ثبت نام» که در ماده ۶۵ آئین نامه فوق الذکر آمده است، نیازی نخواهد بود. آئین نامه اجرائی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: «پس از انجام مرحله کنترل و حصول اطمینان از اینکه شناسنامه متعلق به مراجعه کننده است و واجد شرایط رای دادن می باشد یک نفر از منشی ها بر اساس مندرجات شناسنامه رای دهنده و در صورت لزوم پرسش از وی نسبت به ثبت مشخصات و اطلاعات لازم از رای دهنده روی برگ تعرفه اقدام و پس از اخذ اثر انگشت وی روی برگ تعرفه، آنرا با قید تاریخ، با مهر انتخابات مجلس شورای اسلامی ممهور و امضا می نماید».

در صورتی که لیست های انتخاباتی از پیش آماده شده باشد، به مرحله ثبت نام نیازی نخواهد بود. با مراجعه رای دهنده و ارائه کارت انتخاباتی و کارت شناسائی تنها کافیست کنترل شود آیا کارت انتخاباتی و کارت شناسائی با هم منطبق و متعلق به فردی که آنها را در اختیار دارد می باشند؟ سپس منشی به شماره ثبت نام رای دهنده (که روی کارت انتخاباتی اش نوشته شده است) در لیست انتخاباتی که در اختیار دارد مراجعه می کند تا مطمئن شود که نام رای دهنده

^{۲۴} نک. جواد تقی زاده، "ویژگی های رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه"، حقوق تطبیقی دانشگاه مفید قم، س ۱۸، ش ۹۱، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۳ - ۱۰۴

قبلا در لیست انتخاباتی ثبت شده است. پس از آن مرحله اخذ رای انجام می شود و رای دهنده در مقابل اسم خود در لیست انتخاباتی امضا یا انگشت زده و از شعبه اخذ رای بیرون می آید.

به علاوه از آنجائی که رای دهندگان پس از رای دادن، لیست های انتخاباتی را امضا میکنند، دیگر امکان مراجعه دوباره به همان شعبه برای رای دادن مکرر را نخواهند داشت. از آنجائی که کارت های انتخاباتی وابسته به یک شعبه اخذ رای از پیش تعیین شده می باشند، در هیچ شعبه دیگری نیز نمی توانند رای بدهند. در نتیجه بسادگی میتوان از سوء استفاده احتمالی برخی از سودجویان جلوگیری نمود. این امر «مرحله قرائت و شمارش آراء» را نیز آسان تر می کند. تهیه لیست های انتخاباتی و صدور کارت انتخاباتی به ترتیبی که گفته شد، به تنظیم تعداد رای دهندگان هر یک از شعب اخذ رای نیز منجر می شود. در واقع پخش متعادل رای دهندگان در هر یک از شعب اخذ رای کار رای گیری در روز انتخابات را به طور قابل ملاحظه ای آسان می کند. در چنین صورتی ما دیگر شاهد ازدحام رای دهندگان در برخی از شعب اخذ رای و خلوتی و بی رونقی برخی دیگر از شعبات نخواهیم بود. با ایجاد تعادل میان رای دهندگان هر یک از شعب اخذ رای، احتمال نیاز به تمدید مهلت رای دادن نیز کاهش قابل توجهی خواهد داشت. بالاخره آنکه وجود لیست و کارت انتخاباتی موجب می شود تا تعداد رای دهندگان هر حوزه انتخاباتی نیز بطور موزون و هماهنگی تعیین شده و تحت نظارت و کنترل صحیح و منطقی قرار گیرند.^{۲۵}

۲-۳- متوازن نمودن حوزه های انتخابیه

در بخش اول این بررسی، ناموزونی وزن حوزه های انتخاباتی در سطح استانی را نمایان ساختیم. حال توجه خود را به حوزه های انتخابیه در درون استانها معطوف می داریم. به دلیل عدم دسترسی به تعداد واجدین شرایط رای دادن در هر یک از حوزه های انتخابیه، مجبور شدیم نتایج انتخابات و بطور دقیق تر، تعداد آرای کلیه داوطلبان نمایندگی در هر یک از حوزه های انتخابیه (در اینجا، حوزه های تک کرسی مورد نظر است) را بررسی نمائیم. با فرض تشابه و نزدیکی درصد آراء باطله و غیبت رای دهندگان در هر یک از حوزه های انتخابیه تک کرسی استان مورد مطالعه، به نتایجی برمی خوریم که برقراری توازن میان حوزه های فوق را، در جهت برقراری عدالت انتخاباتی اجتناب ناپذیر می سازد.

در اینجا نتایج انتخابات استان اصفهان را از منظری دیگر مورد توجه قرار دادیم. در جدول شماره ۱۱، آراء منتخب حوزه های تک کرسی را با جمع آراء نامزدهای همان حوزه مقایسه کرده ایم. تفاوت وزن حوزه های مختلف انتخابیه به روشنی قابل رویت است. برای نمونه، در حالی که جمع کل آرای شش داوطلب انتخابات در حوزه انتخابیه اردستان فقط ۲۷۱۵۰ رای می باشد، جمع کل آرای چهار داوطلب انتخابات در حوزه انتخابیه فلاورجان ۱۰۶۴۹۶ رای (قریب ۴ برابر) و جمع کل آرای چهارده داوطلب انتخابات در حوزه انتخابیه کاشان و آران و بیدگل ۱۷۱۵۰۴ رای (بیش از ۶ برابر) است. از مقایسه این آراء و با فرض تشابه درصد آراء باطله و کسانی که رای نداده اند، به این نتیجه می رسیم که وزن حوزه های انتخابیه مورد اشاره بسیار ناهمگون و غیرعادلانه است و باید مورد بازبینی قرار گیرند.

یکی از موثرترین راهها برای ایجاد توازن و هماهنگی میان حوزه های انتخابیه همانا در نظر گرفتن تعداد معینی از رای دهندگان برای هر یک از آن حوزه هاست. بدین معنا که حوزه های انتخابیه در سرتاسر کشور باید به گونه ای تعیین

^{۲۵}. نک. جواد تقی زاده، "اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه"، همان، صص ۷۷ - ۷۹.

شوند که تعداد رای دهندگان آنها از توازن نسبی برخوردار باشند. این کار مستلزم بازیابی کلی محدوده های تمامی حوزه های انتخابیه و تعیین حوزه های انتخابیه جدیدی است.

در وهله اول می توان با وصل حوزه های «سبک» وزن به حوزه های مجاور، و یا با ادغام دو حوزه «سبک» وزن که در مجاورت یکدیگرند در راستای متوازن نمودن وزن انتخاباتی حوزه ها اقدام نمود. سپس در وهله دوم با تقسیم حوزه های چند کرسی به چند حوزه تک کرسی به توازن نسبی میان تمامی حوزه های انتخابیه دست یافت. به علاوه عدم وابستگی رای دهندگان به حوزه انتخابیه از پیش تعیین شده و آزادی کامل او در رای دادن در هر حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس، امکان جابجائی رای دهندگان برای هموار نمودن انتخاب این یا آن داوطلب را، از لحاظ نظری، کاملاً ممکن و قابل تصور می نماید و از لحاظ قانونی نیز جرم محسوب نمی شود. فرض کنیم که یکی از داوطلبان نمایندگی در حوزه «الف» طرفدارانی در حوزه مجاور، حوزه «ب»، دارد. عده ای از طرفداران داوطلبی که در حوزه «الف» نامزد شده است، میتوانند بجای رای دادن در حوزه سکونت خودشان، یعنی حوزه انتخابیه «ب»، در روز انتخابات به شعب اخذ رای در حوزه «الف» رفته و در آنجا به داوطلب مورد علاقه شان رای بدهند، این اقدام تخلف از قانون انتخابات بشمار نمی آید، ولی در واقع منجر به مخدوش شدن نتیجه انتخابات در دو حوزه «الف» و «ب» می شود.

ماده ۱۹ قانون انتخابات مجلس مواردی را که منجر به ابطال رای میشود در ۱۵ فقره برمی شمارد و موردی که به روی آن انگشت گذاشته ایم شامل آن موارد نمی شود. به علاوه ماده ۶۶ همان قانون که به سایر جرائم و تخلفات انتخاباتی می پردازد، به امر جابجائی آراء به ترتیبی که در بالا آورده ایم هیچ اشاره ای نمی کند. بنابراین، وابسته نمودن رای دهندگان به حوزه انتخابیه از پیش تعیین شده و حتی الزام او به رای دادن در یک شعبه اخذ رای که پیشاپیش معین شده است از یک طرف باعث جلوگیری از جابجائی آراء و از طرف دیگر باعث برگزاری هر چه مناسب تر و منظم تر انتخابات می گردد. یادآور می شویم که با توجه به بررسی ای که انجام داده ایم، در بعضی از حوزه های انتخابیه، برای تغییر نتیجه انتخابات، جابجائی تعداد کمی از رای دهندگان کفایت می کند.^{۲۶}

جدول شماره ۱۱

انتخابات مجلس نهم در استان اصفهان

مقایسه آراء نماینده منتخب در حوزه های تک کرسی با آراء نامزدهای همان حوزه

مرحله انتخاب	جمع آراء نامزدهای حوزه های انتخابیه تک کرسی	تعداد کل داوطلبین حوزه در مرحله اول	آراء منتخبان حوزه	تعداد نماینده حوزه	نام حوزه انتخابیه
اول	۲۷۱۵۰	۶	۱۰۸۸۳	۱	اردستان

^{۲۶}. برای مثال در حوزه انتخابیه نهاوند از استان همدان تفاوت آراء نماینده منتخب با نفر دوم ۱۵۱ رای؛ در حوزه انتخابیه شادگان از استان خوزستان تفاوت آراء نماینده منتخب با نفر دوم ۳۱۷ رای؛ در حوزه انتخابیه تفرش، آشتیان و فراهان از استان مرکزی و در حوزه انتخابیه درود و ازنا از استان لرستان تفاوت آراء دو نفر اول دور اول انتخابات ۳۳۵ رای و در حوزه انتخابیه دامغان از استان سمنان این اختلاف برابر با ۵۲۰ رای است.

اول			۲۲۹۴۲۰ (۴۵۸۸۴) ^{۲۷}		
اول			۱۶۹۶۷۷ (۳۳۹۳۵)		
اول			۱۶۵۸۱۰ (۳۳۱۶۲)		
اول	-	۷۵	۱۵۶۹۳۹ (۳۱۳۸۸)	۵	اصفهان
دوم			۱۳۰۸۹۸ (۲۶۱۸۰)		
اول	۱۰۰۵۷۷	۹	۳۱۲۹۹	۱	خمینی شهر
دوم	۴۳۷۴۶	۹	۱۰۷۴۶	۱	سمیرم ^{۲۸}
اول	۱۱۰۴۹۱	۱۰	۵۶۸۰۷	۱	شاهین شهر
اول	۷۶۷۶۳	۸	۲۰۷۳۷	۱	شهرضا و دهاقان
اول	۸۷۹۱۸	۷	۳۴۶۹۳	۱	فریدن، فریدون شهر و ...
اول	۱۰۶۴۹۶	۴	۸۳۸۰۱	۱	فلاورجان
اول	۱۷۱۵۰۴	۱۴	۴۹۱۹۶	۱	کاشان و آران و بیدگل
اول	۴۶۲۳۲	۵	۱۴۳۶۵	۱	گلپایگان و خوانسار
دوم	۱۰۲۵۹۴	۷	۲۲۹۲۷	۱	لنجان
اول	۶۴۲۴۶	۷	۱۷۸۴۳	۱	مبارکه
اول	۳۵۲۵۰	۶	۱۳۲۸۷	۱	نائین، خور و بیابانک
اول	۱۳۷۱۲۹	۱۰	۶۶۰۷۵	۱	نجف آباد، تیران و کرون
اول		۸	۱۲۹۵۶	۱	نطنز و قمصر

۲-۴- تقسیم کشور به حوزه های تک کرسی

تقسیم کشور به حوزه های مختلف انتخاباتی امری اجباری نیست. برخی از نظام های انتخاباتی، تمامی سرزمین کشور را به عنوان یک حوزه واحد انتخاباتی تلقی می کنند. این امر بخصوص در نظام های تناسبی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد.^{۲۹} فرض کنیم که در کشوری نظام انتخاباتی، نظام تناسبی سراسری باشد. اگر تعداد کرسی های نمایندگی را یکصد عدد فرض کنیم، هر یک از احزاب کشور، یک لیست صد نفره از نامزدها را به رای دهندگان

^{۲۷} نک: پی نوشت شماره ۱۰.

^{۲۸} نک: پی نوشت شماره ۱۱.

پیشنهاد می‌دهند. رای دهندگان نیز در روز انتخابات به یکی از آن لیست‌ها رای می‌دهند. در پایان انتخابات، هر کدام از لیست‌ها به نسبت آرائی که کسب کرده است به مجلس نماینده می‌فرستد. لیستی که در تمام کشور ۴۰ درصد کل آراء را کسب کرده است، کم و بیش ۴۰ درصد کرسی‌های پارلمان را در اختیار خواهد داشت، لیستی که ۳۰ درصد آراء را کسب کرده نیز قریب ۳۰ درصد کرسی‌ها را بخود اختصاص خواهد داد و ...

بر همین منوال میتوان یک انتخابات تناسبی نیز در سطح استانها پیش بینی نمود و در چنین صورتی کشور به حوزه‌های استانی تقسیم میشود. البته یک تقسیم بندی استانی با نظام انتخاباتی اکثریتی نیز همخوان است. با این حال ما فرض را بر این گذاشته ایم که نظام انتخاباتی تناسبی برای مجلس کنار گذاشته شده است و حال میخواهیم ضمن حفظ نظام اکثریتی، نظام انتخاباتی موجود را بهبود دهیم. در چنین فرضیه ای بایستی نسبت به تقسیم فعلی حوزه‌ها تجدیدنظر کرد و ضمن حذف مرحله دوم انتخابات، تمامی کشور را به تعداد کرسی‌های مجلس تقسیم نمود، بگونه ای که اگر برای مجلس ۲۹۰ یا ۳۱۰ کرسی در نظر بگیریم، تمامی کشور نیز به ۲۹۰ (یا ۳۱۰) حوزه انتخابیه تقسیم شود. هر یک از این حوزه‌ها یک کرسی نمایندگی را بخود اختصاص می‌دهند. به عبارت دیگر رای دهندگان هر یک از این حوزه‌ها فقط برای انتخاب یک داوطلب نمایندگی رای خواهند داد. در چنین فرضیه ای حوزه‌های انتخابیه چند کرسی به حوزه‌های یک کرسی تقسیم می‌شوند. برای مثال در حوزه انتخابیه استان اصفهان، شهرستان اصفهان که دارای ۵ کرسی انتخاباتی است به ۵ حوزه تقسیم می‌شود و هریک از این ۵ حوزه یک نماینده به مجلس می‌فرستند. بر همین اساس، در حوزه انتخابیه استان تهران، حوزه انتخابیه تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر که در حال حاضر یک حوزه واحد انتخاباتی با ۳۰ کرسی نمایندگی است به ۳۰ حوزه انتخابیه تقسیم می‌شود و هریک از این ۳۰ حوزه یک نماینده روانه مجلس می‌کند. با مراجعه به جدول شماره ۱۲ تعداد حوزه‌های انتخابیه در کشور بدست می‌آید. در حال حاضر، در تمام کشور جمعا ۲۰۷ حوزه انتخابیه وجود دارد که ۵ تای آن به اقلیت‌های دینی اختصاص داده شده است. از میان ۲۰۲ حوزه باقیمانده، ۱۶۷ حوزه دارای یک کرسی نمایندگی می‌باشند که جمعا ۱۶۷ نماینده از ۲۸۵ نماینده را تامین می‌کنند. ۱۱۸ نماینده باقیمانده در میان ۳۵ حوزه که هر کدام بیش از یک نماینده دارند (حوزه چند کرسی) پخش شده اند به گونه ای که این حوزه‌ها از دو تا سی نماینده را بخود اختصاص داده اند.

جدول شماره ۱۲

حوزه های استانی، تعداد حوزه های هر استان، تعداد حوزه های تک کرسی و چند کرسی

ردیف	نام استان	تعداد کل حوزه های استان	تعداد حوزه های تک کرسی	تعداد حوزه های چند کرسی	تعداد نمایندگان حوزه هائی چند کرسی ^{۳۰}	تعداد کل نمایندگان استان
۱	آذربایجان شرقی	۱۳	۱۱	۲	۲+۶	۱۹
۲	آذربایجان غربی	۹	۷	۲	۲+۳	۱۲
۳	اردبیل	۵	۴	۱	۳	۷
۴	اصفهان	۱۵	۱۴	۱	۵	۱۹
۵	ایلام	۲	۱	۱	۲	۳
۶	بوشهر	۴	۴	۰	۰	۴
۷	تهران و البرز	۸	۶	۲	۲+۳۰	۳۸
۸	چهارمحال و بختیاری	۴	۴	۰	۰	۴
۹	خراسان جنوبی	۴	۴	۰	۰	۴
۱۰	خراسان رضوی	۱۲	۹	۳	۲+۲+۵	۱۸
۱۱	خراسان شمالی	۳	۲	۱	۲	۴
۱۲	خوزستان	۱۴	۱۲	۲	۳+۳	۱۸
۱۳	زنجان	۴	۳	۱	۲	۵
۱۴	سمنان	۴	۴	۰	۰	۴
۱۵	سیستان و بلوچستان	۶	۴	۲	۲+۲	۸
۱۶	فارس	۱۵	۱۴	۱	۴	۱۸
۱۷	قزوین	۳	۲	۱	۲	۴
۱۸	قم	۱	۰	۱	۳	۳
۱۹	کردستان	۵	۴	۱	۲	۶
۲۰	کرمان	۹	۸	۱	۲	۱۰
۲۱	کرمانشاه	۶	۵	۱	۳	۸

^{۳۰} اعداد داخل این ستون بیانگر تعداد نمایندگان هر یک از حوزه هائی است که در استان مورد نظر بیش از یک نماینده دارند. برای مثال در آذربایجان شرقی تعداد حوزه های چند کرسی برابر با ۲ می باشند، یعنی بیش از یک نماینده دارند. عدد ۲ + ۶ در این ستون نشانگر آن است که یکی از این دو حوزه ها (تبریز) ۶ نماینده و دیگری (میانه) ۲ نماینده دارد.

۲۲	کهکیلویه و بوییر احمد	۳	۳	۰	۰	۳
۲۳	گلستان	۶	۵	۱	۲	۷
۲۴	گیلان	۱۱	۱۰	۱	۳	۱۳
۲۵	لرستان	۷	۵	۲	۲+۲	۹
۲۶	مازندران	۹	۶	۳	۲+۲+۲	۱۲
۲۷	مرکزی	۶	۵	۱	۲	۷
۲۸	هرمزگان	۳	۲	۱	۳	۵
۲۹	همدان	۷	۵	۲	۲+۲	۹
۳۰	یزد	۴	۴	۰	۰	۴
جمع	۳۰ حوزه استانی ^{۳۱}	۲۰۲	۱۶۷	۳۵	۱۱۸	۲۸۵

با توجه به نتایج بررسی ای که انجام داده ایم و نیز بدون آنکه بخواهیم به مباحث تئوریک مربوط به نظام های مختلف انتخاباتی ورود کنیم، و اگر بپذیریم که ایجاد کارت انتخاباتی و تهیه لیست های انتخاباتی در هر حوزه اقدام اجتناب ناپذیری برای نوسازی نظام انتخابات مجلس است، باید اذعان نمائیم که تقسیم کشور به حوزه های تک کرسی و تبدیل تمامی حوزه های چند کرسی به حوزه های تک کرسی یک ضرورت است و میتواند قدم موثری در بهبود و نوسازی نظام انتخاباتی کشور بشمار آید. در چنین صورتی تمام کشور به ۲۹۰ (یا ۳۱۰) حوزه انتخابیه موزون با تعداد رای دهندگان کم و بیش یکسانی تقسیم و نابرابری موجود میان حوزه های انتخابیه نیز حتی الامکان مرتفع خواهد شد. این امر همچنین میتواند به کاهش تعداد داوطلبان انتخابات کمک شایان توجهی بنماید. توضیح آنکه، اگر تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه های تک کرسی را با تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه های چند کرسی مقایسه کنیم به این نتیجه میرسیم که تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه هائی که دارای فقط یک کرسی هستند، نسبت به تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه هائی که بیش از یک کرسی دارند به مراتب کمترند. این نتیجه گیری را بعد از بررسی تعداد داوطلبان نمایندگی در ده حوزه استانی در کل کشور بدست آورده ایم. در جدول شماره ۱۲ حوزه های انتخاباتی را در ده استان که جمعا دارای ۱۵۴ کرسی نمایندگی (بیش از نیمی از ۲۹۰ کرسی مجلس) میباشند مورد مطالعه قرار دادیم. این ده استان جمعا دارای ۸۵ حوزه تک کرسی (۸۵ نماینده) و تعدادی حوزه های چند کرسی می باشند. حوزه های چند کرسی فوق الذکر در این ده استان رویهم رفته دارای ۶۹ کرسی نمایندگی هستند. در تمام این استانها، میانگین تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه هائی که دارای فقط یک کرسی نمایندگی اند از میانگین نامزدهای انتخاباتی در حوزه هائی که بیش از یک نماینده دارند به مراتب کمتر است. برای مثال در استان خراسان رضوی که جمعا ۱۸ کرسی وجود دارد، ۹ کرسی آن به ۹ حوزه تک کرسی تعلق دارد و ۹ کرسی دیگر در میان ۳ حوزه انتخاباتی تقسیم شده اند که در این میان به حوزه انتخابیه شهر مشهد ۵ کرسی اختصاص داده شده است. متوسط داوطلبان در ۹ حوزه ای که دارای فقط یک کرسی

^{۳۱} در این جدول استان تهران و استان البرز را از یکدیگر جدا نکرده ایم. ضمنا ۵ حوزه اقلیت های دینی نیز در این جدول گنجانده نشده است.

میباشند ۷،۵۵ رقیب انتخاباتی است و در نتیجه به ازای هر کرسی، بطور متوسط ۷،۵۵ داوطلب به رقابت پرداخته اند. در همین استان، در حوزه انتخابیه مشهد برای ۵ کرسی ۱۱۳ داوطلب وجود داشته است. به عبارت دیگر در حوزه انتخابیه مشهد، به ازای هر کرسی نمایندگی ۲۲،۶ نفر به رقابت پرداخته اند، یعنی سه برابر حوزه های تک کرسی استان خراسان رضوی.

در جمع ده استان مورد مطالعه، در حوزه های تک کرسی، به ازای هر کرسی نمایندگی بطور متوسط کمی بیش از ۸ نامزد انتخاباتی به رقابت پرداخته اند. اما در حوزه های چند کرسی در همین استانها، به ازای هر کرسی نمایندگی بطور متوسط کمی بیش از ۱۵ نامزد انتخاباتی با یکدیگر به رقابت پرداخته اند. به عبارت دیگر در حوزه هایی که فقط یک کرسی نمایندگی دارند، معمولاً تعداد داوطلبان کمتر است و رقبای کمتری وارد کارزار انتخاباتی می شوند و در حوزه هایی که بیش از یک کرسی وجود دارد بطور نسبی رقابت در میان داوطلبان بیشتری صورت می گیرد.

جدول شماره ۱۳

میانگین داوطلبان هر کرسی نمایندگی در حوزه های تک کرسی و حوزه های چند کرسی در ده استان

ردیف	نام استان	تعداد حوزه های تک کرسی	میانگین داوطلبان برای هر کرسی در حوزه های تک کرسی	تعداد کرسی های باقیمانده (در حوزه های چند کرسی)	میانگین داوطلبان برای هر کرسی در حوزه های چند کرسی	تعداد کل نمایندگان استان
۱	آذربایجان شرقی	۱۱	۸،۸۲	۸	۱۰،۲۵	۱۹
۲	اصفهان	۱۴	۸،۳۶	۵	۱۲	۱۹
۳	تهران	۵	۱۳،۶	۳۰	۱۷،۵۷	۳۵
۴	خراسان رضوی	۹	۷،۵۵	۹	۱۷	۱۸
۵	فارس	۱۴	۸،۳۶	۴	۱۸،۵	۱۸
۶	کردستان	۴	۸،۲۵	۲	۱۰،۵	۶
۷	کرمان	۸	۶،۵	۲	۱۰	۱۰
۸	گلستان	۵	۸	۲	۱۲	۷
۹	گیلان	۱۰	۷،۷	۳	۱۰،۳۳	۱۳
۱۰	همدان	۵	۸،۲	۴	۱۰،۷۵	۹
جمع		۸۵	۸،۲۲	۶۹	۱۵،۲۱	۱۵۴

نتیجه گیری

با توجه به نارسایی های نظام انتخاباتی مجلس که در این مقاله بدون مسامحه مورد توجه قرار دادیم، اصلاح و نوسازی نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. اصرار بر تداوم وضع نامناسب فعلی منجر به کاهش آرا و جاهت نمایندگان مجلس شده و می شود بطوری که نمایندگان بجای اینکه معرف اکثریت جامعه و دارندگان حق رای باشند به نمایندگان تعداد معدودی از رای دهندگان تبدیل خواهند شد. چنین امری در کاهش اعتبار پارلمان و نمایندگان ملت و قوه مقننه تاثیر غیر قابل انکاری دارد و موجب تضعیف آن در برابر قوای دیگر می شود. مرتفع نمودن ایرادات فوق الذکر باید مورد توجه جدی مسئولین امر بخصوص اعضای قوه مقننه قرار گیرد.

منابع

۱. تقی زاده، جواد، (۱۳۹۰)، "اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه"، پژوهش های حقوقی تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، س ۱۵، ش ۳.
۲. تقی زاده، جواد، (۱۳۹۱)، "ویژگی های رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه"، حقوق تطبیقی دانشگاه مفید قم، س ۱۸، ش ۹۱.
۳. قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، ج. ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۴. هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۵)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج. ۲، قم، مجتمع آموزش عالی قم.
5. BURDEAU, Georges (1952), *Traité de science politique*, t. IV (Régimes politiques), Paris, LGDJ.

The Study of some aspects of the parliament's electoral law regarding the election results of the 9th Parliament

Morteza ANSARI DEZFOOLI

Abstract

This article attempts to highlight the failures of the electoral system. This study is based on both ordinary and constitutional laws and also on official figures. Admittedly official figures but a little different from the previous ones March 2011 elections. The failures are always demonstrated by a certain amount of datas such as the number of electors in each voting district, the number of voters, the number of candidates and the portion of the votes won by elected members. Through more than twelve frames, we give the reader the opportunity to grasp as accurately as possible the current situation. This article is not a simplistic theoretical analysis. It includes practical and feasible solutions.

The first part is dedicated to the study of the current system's main problems, while the second part makes proposals in order to improve the electoral regime. We found out that some failures can be solved by a slightly change of the electoral laws, whereas other larger failures require radical changes in order to be solved. In short it is all about the overhaul of the Islamic Assembly's electoral system. The most important change involves the bury of the two-round runoff election to be replaced by a one round majority election. However the success of this reform depends a lot on the implementation of other changes, including the reorganization of the voting districts, the creation of voter registration cards and the fairer distribution of seats among regions.

Keywords

Electoral law, Islamic Assembly, election of the 9th Parliament, electoral system, voting districts.

